



بانک

زندگی
نان
و
دیگر
هیچ

د افغانستان بانک خپرونه، پنځم کال، دوه پنځوسمه گڼه، د ۱۳۹۰ کال د تلي میاشت



د دې ګڼې مطالب

همکاری های جامعه جهانی از کنفرانس بن تالزبون

د افغانستان بانک قانون

وال استریت زیر پای پول دار ها، بر شانه فقرا

تأثیرات گسترش سکتور مالی در کاهش فقر

اداره بیمه سپرده های افغان

د هیواد د ملي بانکو ټولو د ساتلو فرهنگ

زندګۍ، نان و ډیګر هیچ

تاریخچه استاندارد در جهان

سرمایه انسانی کدام نکات را در بر دارد؟

ملي نا خالص تولید څه ته وایي؟

چگونگی اقتصاد ملی

د هیواد کرنیز ډګر ته پاملرنه څه پایله لري؟

BANK بانک

صاحب امتیاز: د افغانستان بانک

مدیر مسول: محمد کبیر کاووسی

گزارشگران: عبداللطیف بایانی و عبدالحفیظ شاهین

دیزاین: عبدالقیوم رووف ارغند

فوتو راپورتر: زیرک ملیا

همکار تخنیکي: یما عقیف

ترجمه: شفیق الله بارز، عین الله عیان و کامران پوپل

آدرس: د افغانستان بانک

آمریت عمومی اسناد و ارتباط

تلیفون: ۰۰۹۳۲۰۲۱۰۳۸۱۵ / ۲۱۰۴۷۶۱

فکس: ۰۰۹۳۲۰۲۱۰۳۰۵

پست الکترونیکی: magazine@centralbank.gov.af

صفحه الکترونیکی: www.centralbank.gov.af

ایجاد راه ابریشم تقویه مسیر شمال برای توسعه تجارت افغانستان

جاده ابریشم یا راه ابریشم شبکه راه های اتصال یافته ایست که به هدف حمل و نقل و تجارت بین سر زمین های مختلف که شرق، غرب و جنوب آسیا، شمال افریقا و شرق اروپا را با همدیگر ارتباط میدهد.

راه ابریشم از شهر توان هو انگ چین جهت صدور ابریشم آن کشور به دیگر کشور های اختصاص یافته بود، از همینرو به نام راه یا جاده ابریشم مسمی گردیده است.

این راه از داخل خاک افغانستان میگذرد که کشور های آسیایی را از نگاه ترانزیت به همدیگر وصل مینماید.

نخستین فردیکه نام جاده ابریشم یا راه ابریشم را در سال ۱۸۷۷، برای این مسیر انتخاب کرد، جغرافیا دان آلمانی بنام فردیناند ریختوفن بود. وی به دلیل حمل ابریشم چین از این راه به بحیره مدیترانه و مناطق مختلف دیگر این نام را برگزید.

درین اواخر کشور امریکا جهت تقویه و آماده سازی این راه مهم و تاریخی با کشور های ذیربط تماس گرفته است.

بر اساس اظهار مارک کرا سمن نماینده امریکا در امور افغانستان و پاکستان در نشست بن طرح تاسیس جاده ابریشم مورد بحث قرار خواهد گرفت.

تأسیس این راه برای افغانستان نیز حایز اهمیت فراوان است زیرا در زمینه صادرات و همچنان عایدات ترانزیتی و هم در رشد اقتصادی ممد واقع خواهد شد و علاوه بر کمک به توسعه و شکوفایی اقتصادی افغانستان به گسترش روابط منطقه ای نیز منجر میگردد.

این طرح همزمان با متصل ساختن شبکه های حمل و نقل، خطوط انتقال برق آسیای مرکزی و جنوبی را میسر میسازد.

همچنان این طرح زمینه احداث خطوط آهن، پایپ لاین انتقال گاز و اعمار سرک ها را در بر دارد.

ایجاد و باز شدن این مسیر، مشکلاتی را که افغانستان در ساحه ترانزیت و تجارت در سرحدات شرقی و غربی خود با کشور های پاکستان و ایران دارد، بصورت چشمگیر کاهش داده و تشویش ها و مشکلات تجار افغان ازین نقطه نظر مرفوع می گردد و آنها با فکر آرام و بدون پرداختن مصارف بیجا و سنگین غیر قانونی کار های تجارتی خود را ادامه بدهند.

در نهایت امید میرود با ایجاد این راه تجارتی، سهولت ها و امکانات بیشتری در راه رشد اقتصادی افغانستان بوجود آمده و افزایش بیشتر در امتعه تجارتی، بیلانس صادرات و واردات کشور را بیشتر با هم نزدیک سازد.

یاد آوری

به غیر از سرمقاله که دیدگاه رسمی د افغانستان بانک است، مسوولیت مضامین و مقالات دیگر به نویسندگان آن بر میگردد، همچنان استفاده از تصاویر مجله بانک با ذکر مأخذ مجاز است.



همکاری های جامعه جهانی از کنفرانس بن تا لزبون

بعد از تأسیس اداره موقت در اواخر سال ۱۳۸۰ در کنفرانس بن برای افغانستان، جامعه بین المللی متعهد گردید تا با حکومت انتقالی جدید در افغانستان کمک های انکشافی نماید که بعد از آن کمک های انکشافی در بخش های مختلف چون: کمک های نقدی، بلا عوض و کمک های تخنیکي صورت گرفت که این کمک های خارجی به مثابه یک اولویت توسط افغانستان پذیرفته شد و متعاقباً در آن زمان حکومت افغانستان جهت بهبود امور این بخش در ماه حمل ۱۳۸۱ طی فرمانی اداره انسجام کمک های افغانستان را به میان آورد و این کار حکومت افغانستان را در امور پلان گذاری، تخصیص وجوه انکشافی و اولویت های مصارفاتی از طریق موسسات کمک دهنده، همکاری نمود. گفتگو های مربوط به همکاری های انکشافی جامعه جهانی، به حکومت افغانستان موقع داد تا روی اهمیت تعهدات انجام شده بحث صورت گیرد، که در حقیقت این پروسه به حکومت جمهوری اسلامی افغانستان و همکاران انکشافی آن فرصت آنرا میسر ساخت تا برای افزایش اثرات کمک های انکشافی، گام های ارزنده یی برداشته شود، تأکید روی ضرورت اهمیت کمک های انکشافی و استفاده موثر از آن در کنفرانس بن که در قوس ۱۳۸۱ دایر گردید صورت گرفت درین کنفرانس، جامعه جهانی متعهد گردید تا حکومت افغانستان را در نیل به ترقی اقتصادی همکاری نماید.

کنفرانس بین المللی توکیو بروز های ۱-۲ دلو ۱۳۸۱ به اشتراک رئیس جمهوری اسلامی افغانستان و نمایندگان سایر کشور ها در سطح وزرا از کشور های جاپان، امریکا، اتحادیه اروپا و عربستان سعودی در توکیو دایر گردید، درین کنفرانس، جامعه جهانی روی به میان آوردن اصلاحات دقیق و رسیدن به یک انکشاف اقتصادی موافقه نمود که در کنفرانس مذکور مبلغ ۵.۱ میلیارد دالر امریکایی مساعدت صورت گرفت.

کنفرانس برلین:

شد. درین کنفرانس جامعه جهانی تعهد نمود تا اولین استراتیژی پلان پنج ساله انکشاف ملی افغانستان تحت نظارت افغانها ساخته شود، در ضمن تقویت بخشیدن سکتور زراعت، انرژی و آب و سایر سکتورهای اقتصادی، از اولویت های این کنفرانس بود، درین کنفرانس تعهد ۲۰ ملیون دالر امریکایی به دولت افغانستان وعده سپرده شد.

کنفرانس هاگ:

این کنفرانس به اشتراک وزرا خارجه افغانستان، هالند و نماینده ملل متحد در ۱۱ حمل ۱۳۸۸ بر گزار گردید، که درین کنفرانس روی ایجاد یک دستور العمل برای فراهم آوری کمک های هر چه قوی تر برای افغانستان جهت فراهم آوری زندگی مرفه مردم افغانستان، بحث و تبادل نظر صورت گرفت.

کنفرانس لندن:

دومین کنفرانس لندن در ۸ دلو ۱۳۸۸ بر گزار شد، درین کنفرانس دولت جمهوری افغانستان یکجا با جامعه جهانی تعهد نمودند تا بخاطر حصول اطمینان از آمادگی دولت در تأمین نیاز مندی های مردم از طریق



توافقنامه یی بین دولت افغانستان و جامعه جهانی به تصویب رسید که بر اساس آن فیصله شد تا جامعه جهانی مبلغ ۵.۱۰ ملیارد دالر امریکایی را در مدت ۵ سال آینده در اختیار افغانستان قرار دهند.

کنفرانس روم:

این کنفرانس در پایتخت ایتالیا، در شهر روم به اشتراک رئیس جمهور افغانستان، ایتالیا و نماینده ملل متحد در ۱۱ سرطان ۱۳۸۶ دایر شد، درین کنفرانس کشورها و موسسات کمک دهنده وعده سپردند تا مبلغ ۳۶۰ ملیون دالر را به افغانستان کمک نمایند.

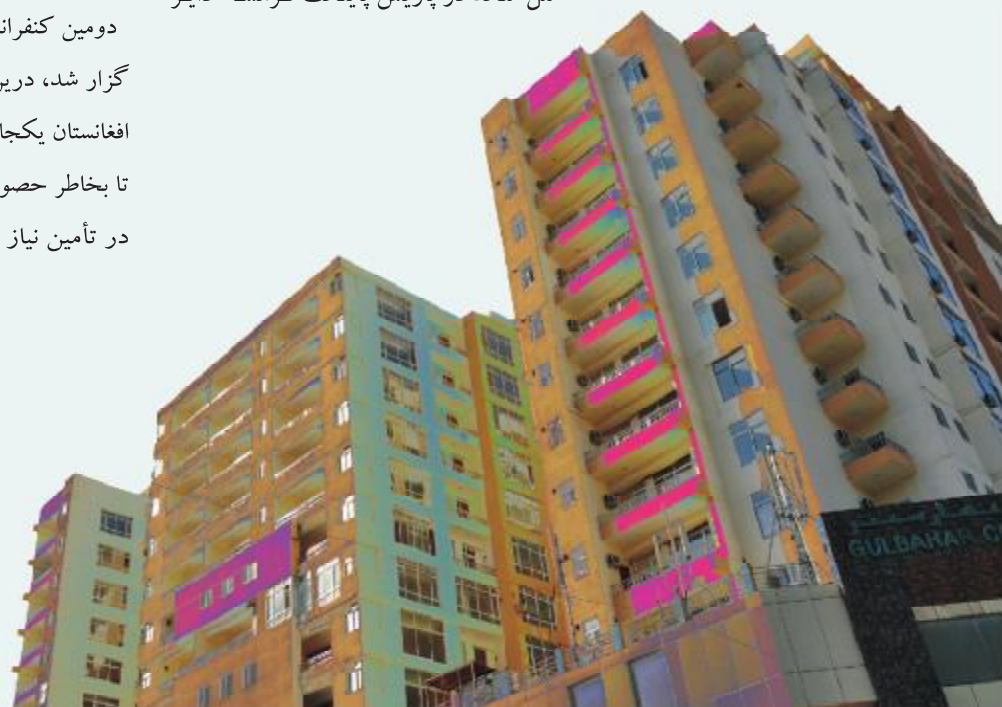
کنفرانس پاریس:

کنفرانس پاریس در ۲۲ جوزای ۱۳۸۷ به اشتراک رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان، نیکو لای سرکوزی و سرمنشی ملل متحد در پاریس پایتخت فرانسه دایر

این کنفرانس به اشتراک نماینده افغانستان، آلمان، ملل متحد و دولت جاپان در ۱۲ حمل ۱۳۸۳ در شهر برلین دایر شد، کنفرانس مذکور اهداف متعدد داشت که از جمله می توان از تجدید تعهدات مالی جامعه جهانی برای باز سازی کشور، ادامه کمک های جامعه جهانی و داشتن پلان دقیق برای باز سازی کشور بعد از کنفرانس بن بحث صورت گرفت، درین کنفرانس فیصله بعمل آمد تا جامعه جهانی برای باز سازی افغانستان ۲.۸ ملیارد دالر امریکایی از سال ۲۰۰۴ الی ۲۰۰۷ کمک نماید.

کنفرانس لندن:

کنفرانس لندن به اشتراک ۶۶ کشور و ۱۵ سازمان بین المللی در ۱۱-۱۲ دلو ۱۳۸۴ به اشتراک نماینده افغانستان، انگلستان و ملل متحد بر گزار شد و درین کنفرانس



انکشاف موسسات و منابع خودش مساعی بخرج دهد.

کنفرانس کابل:

کنفرانس کابل برای اولین بار توسط افغانها در ۲۹ سرطان ۱۳۸۹ دایر گردید، درین کنفرانس روی بهبود انکشاف متوازن و تطبیق برنامه های دارای اولویت به خاطر حمایت از ارتقای ظرفیت پایدار در سطح ملی تأکید صورت گرفت.

کنفرانس لزبون:

این کنفرانس در ۲۸ عقرب ۱۳۸۹ در لزبون، پایتخت پرتغال بر گزار شد، درین کنفرانس ۲۸ تن از روسای کشور های عضو پیمان ناتو همراه با روسیه جهت افزایش قرار داد های ترانزیتی و آموزش کار مندان دولت در بخش های مختلف موافقه نمودند.

دولت افغانستان همراه با جامعه جهانی از سال ۱۳۸۱ به بعد در کنفرانسهای متعدد توانست تا اولویت های کشور را بر اساس ضرورت، شفافیت و حسابدهی متقابل تا حدودی عیار سازد. این یک حقیقت آشکار است که در تهیه کمک های مالی و اقتصادی، همکاری و مذاکرات دو جانبه میان دولت افغانستان، کشور ها و موسسات کمک دهنده ضروری است در صورتیکه کشور ها و موسسات کمک دهنده علاقمندی شان را در بعضی سکتور ها ابراز

داشته، لازم است که دولت افغانستان نیز در تعیین اولویت های ملی و مصرف کمک ها در سکتور های اقتصادی، که در رشد و انکشاف کشور و کاهش فقر نقش مهم دارند، صلاحیت عام و تام داشته باشد، ولی متأسفانه تا حال دولت افغانستان درین عرصه نقش اساسی نداشته است. گرچه در اعلامیه پاریس در سال ۱۳۸۴ در حضورداشت نمایندگان بیشتر از یکصد کشور جهان به تصویب رسید که هماهنگی میان کشور ها و موسسات کمک دهنده، حساب دهی متقابل و حصول نتایج انکشافی در افغانستان به میان آید، زیرا بدون حمایت سخاوتمندانه همکاری بین المللی همراه با شفافیت آن، حکومت افغانستان قادر به حصول نتایج قناعت بخش اقتصادی نخواهد بود، روی این اصل افغانستان استراتژی پنج ساله کاهش فقر و رشد اقتصادی در کشور را که بنام استراتژی انکشاف ملی یاد می شود تهیه و در کنفرانس پاریس با جامعه جهانی در میان گذاشت. در کنفرانس بین المللی کابل، دولت افغانستان تعهد سپرد تا آن استراتژی را که قبلاً در کنفرانس پاریس ترتیب نموده بود به ۲۲ برنامه ملی که دارای اولویت باشد، تبدیل نماید. اما با آنهم متأسفانه حدود ۸۰ درصد از کمک های خارجی به افغانستان خارج از بودجه

دولت از طریق انجیو ها و ساختارهای موازی به مصرف میرسد که این ساختار های موازی، افغانستان را مجبور ساخت تا برای تمویل اولویت های انکشافی خود به منابع محدود اتکا نموده و کشور های خارجی کمک های مالی شان را بالای آنده برنامه هایی که خود شان شناسایی نموده اند مصرف نمایند که اکثراً بدون مشوره دولت صورت می گیرد، سرانجام کمک های مالی که از طریق ساختار های موازی یا انجیو ها به مصرف می رسد باعث افزایش مصارف عملیاتی در برنامه های انکشافی می گردد. در همچو حالات بعضی از پروژه ها تا بیشتر از پنج بار قرار داد گردیده که در حقیقت در هر بار از ۱۰ الی ۲۰ مرتبه از کیفیت پروژه ها کاسته می شود که این امر باعث می شود تا پول کمتری در جهت تطبیق پروژه ها مصرف شود. در تطبیق بعضی پروژه ها تدارک و استخدام مشاورین خارجی از کشور ها و موسسات خارجی صورت می گیرد، بنا بر اظهار موسسه اکسفام ۴۰ درصد کمک های کشور های خارجی دو باره به کشور های شان بر می گردد. ●

عبدالحفیظ شاهین

منبع:

گزارش سال ۱۳۸۹، وزارت مالیه جمهوری

اسلامی افغانستان

د افغانستان بانک قانون

د څېړنې خپلواکه کمیټه

یو سلو شپږویشتمه ماده:

د دې قانون د انفاذ له نېټې څخه وروسته د یوې میاشتې مودې په ترڅ کې له کورنیو، بهرنیو او نړېوالو متخصصینو څخه جوړ د څېړونکو، مرکزي بانکوالی د متخصصینو او عندالزوم د نورو متخصصینو په ګډون یوه خپلواکه کمیټه جوړېږي ترڅو د د افغانستان بانک ټولې شتمنۍ او بډیهۍ د مشروطو شتمنیو او بډیهۍ په دولتي تصدیو کې د د افغانستان بانک د ونډو او په بهرنیو حسابونو کې د د افغانستان بانک د نقدو وجوهو او موجودو سرو زرو په شمول، د هغه شتمنۍ وټاکي او وېې ارزوي او یو بیلابنس شپټ چې د حساب څېړنې له نړېوالو معیارونو سره په مطابقت کې د بهرنیو خپلواکو څېړونکو په واسطه څېړل شوې وي، تصویب کړي. د هغه د جوړیدو له نېټې څخه د پنځو میاشتو په ترڅ کې کمیټې د

دغو معلوماتو پر بنسټ په لاندې مواردو کې خپل وړاندیزونه وړاندې کوي:

- ۱- د افغانستان بانک د مجازې پانګې میزان.
- ۲- د افغانستان بانک زیرمه ایزو حسابونو ته د وجوهو د تخصیص میکانیزم.
- ۳- په دولتي تصدیو کې د د افغانستان بانک د ونډو د پلورلو یا خوشې کولو او د نورو غیر مرتبطو شتمنیو د پل وهلو (ردیابۍ) پروسه.
- ۴- له د افغانستان بانک څخه د تېرو حکومتونو پورونې.

تصدیو ته اسعاري حسابونه

یو سلو اووه ویشتمه ماده:

د د افغانستان بانک مکلف دی، د دې قانون له انفاذ وروسته د شپږو میاشتو مودې په ترڅ کې، په یو اړخیز ډول ټول هغه حسابونه چې د کورنیو تصدیو په استازیتوب یې په بهرنیو مالي مؤسسو کې افتتاح کړیدې او ساتل کېږي، بند او منحل

کړي او پر دغو حسابونو باندې د تطبیق وړ ټول موافقه لیکونه فسخ او د دغو حسابونو د پاتو شتمنیو خالص ټول (مجموعی) مبلغ دولت ته راوګرځوي، د دغو شتمنیو د خالص مجموع مبلغ محاسبه، له دغو حسابونو سره په رابطه کې له د افغانستان بانک څخه د دغو تصدیو د بډیهۍ د مجموعي مبلغ له وضع کولو وروسته، په افغانیو باندې د دغو ټولو حسابونو د ټولې شتمنۍ له جمعې څخه عبارت ده. د یوه حساب د شتمنیو د خالص مجموعي مبلغ د محاسبې لپاره فقط د یوه حساب د هماغې ورځې د مبادلي ورکړل شوی نرخ، د اعتبار وړ دی.

په هغه صورت کې چې د شتمنیو خالص مجموعي مبلغ منفي وي، دولت دغه مبلغ د د افغانستان بانک د خبرتیا له تر لاسه کولو وروسته، د شپږو میاشتو په ترڅ کې ورکوي. •

وال استریت زیر پای پول دارها، بر شانه فقرا



بر اساس شواهد بدست آمده تاریخی، شهرت اولیه سرک وال استریت از آنجا آغاز شد که در میان دهه ۱۷۷۰-۱۷۸۰ بعد از آنکه امریکا استقلال خود را از انگلستان بدست آورد، گروهی از تجار این کشور در زیر یک درخت درین سرک با هم یکجا شده و تصمیم گرفتند تا کسب و کارشان را با اتخاذ سر مایه گذاری و سیاست مشترک رونق ببخشند. بالاخره رفته ادامه این نشست های اقتصادی زیر درخت چنار در سرک مذکور د رسال ۱۷۹۲ به تأسیس موسسه یی تحت عنوان (انجمن درخت چنار) انجامید که در حقیقت تأسیس انجمن مذکور هسته اصلی بازار بورس نیویارک امروز در سرک مذکور بود. این موسسه اقتصادی سایر تجار را نیز تشویق کرد تا درین سرک دفتری تأسیس نمایند، که این امر به مشهور شدن وال استریت در نیویارک منجر شد ، از سوی دیگر رویداد تاریخی دیگری که به شهرت این سرک افزود، مراسم سوگند جورج واشنگتن نخستین رئیس جمهور امریکا، شخصی که تصویرش بروی دالر

نقش جاویدانه بسته است، در همین سرک برگزار و نشر روزنامه وال استریت ژورنال که به اخبار بورس می پردازد و یکی از مهمترین و پر نفوذ ترین روز نامه های اقتصادی - سیاسی در جهان است ۱۳۰ سال قبل به نشرات خود آغاز کرد، این روز نامه در تمامی جهان طور همزمان منجمله در آسیا و اروپا نشر می شود، این روز نامه در سال ۲۰۰۶ میلادی روزانه ۲ میلیون نسخه توزیع می گردید منیث یکی از پر فروش ترین روز نامه های اقتصادی در جهان بر شهرت آن افزوده است. بسیاری از امریکایی ها وال استریت را به عنوان نماد توسعه اقتصادی و سمبول سیستم اقتصادی خود دانسته و بزرگترین مراکز اقتصادی امریکا و بورس های این کشور درین سرک قرار دارند از جمله میتوان به میز تجارتي (NYMEX)، میز تجارتي نیویورک (AMEX) بورس امریکا (NASDAQ)، بورس نزدیک (NYSE)، بازار بورس امریکا (NASDAQ) و بورس نیویارک (NYBOT) نام برد. نام این سرک در

محلہ (منهن) نیویارک است و ماهیت عجیب و سازمانی وال استریت طی قرن ۱۹ در دهه ۱۸۴۰ توسعه بیشتر یافته و ساکنان اصلی این سرک بر اثر ازدحام شرکت ها نقل مکان نمودند و از نام وال استریت همیشه مکان و موجودیت افراد با نفوذ اقتصادی در ذهن امریکایی ها خطور می کرد و با اعتراضات و تظاهراتیکه درین اواخر درین خیابان صورت گرفته نمایانگر شکسته شدن الگوی اقتصادی امریکا است. بنا بر گزارش فارس ۱۶ روز قبل رسانه ها از تجمع هزاران نفر معترض به نظام مالی امریکایی در نزدیک وال استریت، قلب اقتصادی این کشور که در حقیقت نماد اقتصادی این کشور است خبر داد، آنها نظام مالی فعلی امریکا را عامل اصلی بحران اقتصادی و بی عدالتی در کشور شان دانستند، همچنان معترضانیکه درین تظاهرات شرکت کرده بودند شعار هایی چون: دموکراسی، نه سرمایه داری سازی و به حاکمیت اغنیا و ثروتمندان پایان دهید سر دادند و آنها این روز را روز خشم امریکا نامگذاری کردند. سازمان دهندگان این تظاهرات در نظر داشتند تا تظاهرات شان را به شکل مسالمت آمیز و بدون خشونت ادامه دهند، اما بعد از چند روز خبر هایی از بازداشت ۷۰۰ نفر از معترضان

در یک روز منتشر شد که خود بیانگر عملکرد خشونت بار پولیس و عملکرد معترضان است. بر اساس گزارش یورو نیوز، یکی از تظاهر کنندگان حین تظاهرات چنین گفت: اقتصاد ما در حال نا بودی است، مردم از گرسنگی تلف می شوند، آنها بدون شغل به زندگی شان ادامه می دهند، در حالی که دولت فکر می کند ما در وضعیت خوبی هستیم در حالی که اینطور نیست، مردم در امریکا در وضعیت خوب قرار ندارند، ما از مردم تقاضا داریم تا درین جا جمع شده حقوق انسانی خود را مطالبه نمایند. همچنان در چند روز اخیر تظاهرات مشابهی در شهر های شیکاگو، بوستون و سانفرانسیسکو در اعتراض به بحران اقتصادی امریکا بر پا شده است. نا گفته نباید گذاشت که اعتراضات چند روز اخیر درین سرک مشابهت به اعتراضات سال ۱۹۲۹ دارد، که در آن زمان سقوط ارزش سهام در بازار بورس نیویارک رکود خود را می پیمود که تا حالا در تاریخ امریکا نظیر آن دیده نشده است، بحران اقتصادی مذکور برای ۱۲ سال ادامه پیدا کرد که بالای تمامی کشور های غربی تأثیر منفی گذاشت و بعد از شمولیت امریکا در جنگ جهانی دوم و پیروزی

متفقین درین جنگ، اقتصاد از بین رفته امریکا دوباره به پایستاد و وال استریت دو باره احیا گردید. حالا بعد از سپری شدن ۸۰ سال فراز و نشیب اقتصادی جهان، وال استریت دو باره به دوره رکود اقتصادی خود باز گشته و معترضان درین سرک می گویند که بانکداران و افراد با نفوذ اقتصادی جهان که بیشترین آنها در وال استریت نفوذ و نقش عمده دارند به شیوه نا عادلانه می خواهند تمام مشکلات این ضعف را بر دوش ۹۹ درصد مردم عادی بگذارند. آخرین گزارشها حاکی از آنست که تظاهرات مشابهی در دیگر شهر های امریکا راه اندازی شده است. از سوی دیگر اعضا اتحادیه های قدرتمند کارگری نیز به جمع تظاهر کنندگان در وال استریت پیوستند، فعالان این تظاهرات به آمار بلند بیکاری، طرح نجات مالی شرکت های بزرگ در سال ۲۰۰۸ توسط دولت و تصاحب خانه ها توسط بانک، بعد از ناتوانی دارندگان قرضه در پرداخت اقساط قرضه اعتراض دارند. ●

عبدالحفیظ شاهین

انترنت، اخبار بی بی سی

تأثيرات گسترش سکتور مالی در کاهش فقر



گسترش سکتور مالی روند رشد اقتصادی را تسريع و توازن عايد را بين اقشار جامعه بهبود ميبخشد.

رشد اقتصادی و گسترش مالی، امر لازم و ملزوم یکدیگر اند ولی گفته عجیبی نیست — خدمات مالی متنوع و قابل دسترس، از خدمات مالی بانک ها الی قرار داد های بیمه و بازار های خرید و فروش اسهام موسسات سهامی، باعث تجمع مبالغ هنگفت و سوق آن بسوی سرمایه گذاری های پر منفعت که موجب استحکام و رشد اقتصادی میگردد، میشود. ولی شواهد روز افزونی وجود دارد که گسترش مالی نه تنها

ضعیف اقتصادی که شاخص های گسترش مالی آنها به سرعت در حال بهبود است، دلیل امید واری کاهش میزان سریعتر فقر را در آینده نشان میدهد. ربط میان توازن عواید و گسترش مالی سؤال مهمی را برای پالیسی سازان مطرح میسازد: چگونه دولت ها میتوانند گسترش مالی را که استحکام بخشنده رشد اقتصادی و کاهش دهنده نا برابری عواید است، بوسیله ثبات کافی مالی و اقتصادی ترویج دهند ولی از تجارب تنها یک تعداد قواعد محدود و برخی از رهنمود های جامع حاصل گردیده است. شیوه و میزان گسترش سکتور مالی باید درست مانند اصلاحات اقتصادی، مطابق اوضاع یک کشور ◀◀

باعث وسعت دایره رشد گردیده بلکه این دایره را به دو قسمت مساوی نیز تقسیم مینماید که باعث تعجب برخی از تحلیل گران مسائل اقتصادی شده است. بر اساس اظهارات دیمرگوک کنت و لیواین (Demirguc-Kunt, and Levine, ۱۹۹۹) حدود ۶۰ فیصد طبقه پائین جامعه از بابت رشد کلی اقتصاد و ۴۰ فیصد آن از فراهم شدن فرصت مساوی کسب عواید که در نتیجه گسترش سکتور مالی به میان آمده است، مستفید گردیده اند. این موضوع برای تمامی کشور های ترقی یافته و عقب مانده، مهم است. ولی برای کشور های رو به ترقی خصوصاً بیشتر کشور های دارای بنیه

عیار گردیده و ممد پالیسی های آن در سایر ساحات واقع شود. ثبات ماحول اقتصاد بزرگ (Macroeconomic) و انعطاف پذیری تجارت، تولیدات و بازار های کار میتواند روی موفقیت استراتژی توسعه سکتور مالی تأثیرگذار واقع شود. بالاخر این رویداد، استراتژی های کامیاب خواهند توانست موانع دسترسی به تسهیلات سکتور مالی را تشخیص و از میان بردارد مثلاً: پالیسی های غیر متمر که باعث محدودیت رقابت میگردد. در استراتژی های مالی کامیاب، خسارات ناشی از بی ثباتی مالی روی رشد اقتصادی خصوصاً روی معیشت افراد کم عاید جامعه نیز مد نظر گرفته میشود.

در سر تا سر جهان

شیوه های گسترش سکتور مالی در جهان از همدیگر بسیار متفاوت است. افزایش سطح خدمات مالی را اکثراً پایه گذاری اساسی مالی گویند. هر گاه از لحاظ نسبت قروض اعطاء شده سکتور خصوصی بر تولیدات ناخالص داخلی سنجش صورت گیرد، سطح خدمات کشور های ثروتمند شش مرتبه بیشتر از کشور های کم عاید است. مشاهدات مشابه بیانگر شاخص دیگر پایه گذاری اساسی مالی است و آن نسبت M2 بر تولیدات ناخالص داخلی میباشد. M2 یکی از واحد های اندازی گیری عرضه پول در اقتصاد است که شامل پول نقد، حسابات جاری و پس انداز میشود. به گونه تشویق گویا، اگر چه در کشور هایی که سطح خدمات یا پایه گذاری اساسی مالی در درجه پائین قرار دارد، میزان پایه گذاری مالی این کشور ها به مراتب سریعتر از کشور های ثروتمند به نظر میرسد. نسبت های حد اوسط رشد مجموعی قروض سکتور خصوصی بر تولیدات ناخالص داخلی در کشور های کم عاید بین سال های ۲۰۰۴ - ۲۰۰۹، ۶۳ فیصد بوده در حالیکه این نسبت در سایر کشور ها در جریان همین دوره ۳۳ فیصد بوده است. ولی کیفیت پایه گذاری اساسی مالی در

صورت آنکه خدمات مالی تنها در دسترس تجارت خانه ها و خانواده های محدود قرار داشته باشد، پایین خواهد بود. دسترسی به پول تمویلی مانند گسترش سیستم مالی مهم است. در کشور هایی که سطح عواید آن بلند است، تعداد نمایندگی های بانکی برای هر صد هزار فرد بالغ، ۱۲ مرتبه بیشتر از تعداد نمایندگی های بانکی کشور هایست که دارای عواید کمتر بوده همچنان تعداد ماشین های صرافی خود کار در آن کشور ها ۳۰ مرتبه بیشتر میباشد. باز هم دسترسی به خدمات مالی در کشور های کم عاید در حال بیشتر شدن است. تعداد نمایندگی های بانکی برای هر صد هزار نفر در کشور های کم عاید بین سال های ۲۰۰۴ - ۲۰۰۹، طور اوسط ۳۱ فیصد افزایش یافت؛ در همین جریان، رشد نمایندگی های بانکی در کشور های ثروتمند راکد باقی مانده و در کشور های دارای عاید کمتر و بیشتر از کشور های دارای عاید متوسط در سطح ۵ الی ۲۰ فیصد قرار داشت. میزان توسعه خدمات مالی همچنان در میان کشور های هم سطح مالی بسیار متفاوت است. از جمله کشور های کم عاید، آنهاییکه در خط اوسط قرار دارند، نسبت قروض خصوصی آنها ۱۰ فیصد است، در حالیکه نسبت های حدود ۱۷ فیصد این کشور ها بین ۲۰ الی ۳۵ فیصد میباشد. اوسط نسبت های قروض خصوصی بر تولیدات داخلی (GDP) کشور های تحت و فوق کشور های دارای عاید متوسط هر یک ۲۴ و ۲۹ فیصد بوده و لی بین اینها فرق بارزی وجود دارد. حد اوسط نسبت قروض خصوصی بر تولیدات ناخالص داخلی کشور های ثروتمند ۶۰ فیصد است ولی تقریباً ۸ فیصد این کشور ها دارای نسبت های پایین تر از ۳۵ میباشد.

گسترش و عدم توازن در سودمندی سکتور مالی گسترش مالی موجب سرمایه گذاری های بزرگ و تخصیص مؤثر سرمایه گردیده و سر انجام باعث تقویت رشد عواید میگردد. ولی فواید گسترش مالی فرا تر از تمویل سرمایه گذاریها

بوده و در مراحل ابتدایی آن اکثراً خدمات بهتر و نازل تر که هدف از آن جلوگیری از مصارف نگهداری و تادیه پول است، قرار دارد. این خدمات موقع آنرا برای خانواده ها و تجارت خانه ها فراهم میسازد تا از مصارف معاوضه جنس در بدل جنس و معاملات نقدی جلوگیری نموده، مصارف انتقال پول را نازل ساخته و فرصت تجمع دارائی ها و کسب عواید مداوم را فراهم سازد. خدمات بیمه، خانواده ها و تجارت خانه ها را قادر میسازد تا از خساره حوادث رهایی حاصل نموده و آسیب پذیری خویش را در مقابل شرایط ناگوار کاهش دهند که در نتیجه از خطر سقوط به چنگ فقر کاهش بعمل می آید. بازار های داخلی گسترش یافته میتوانند وسیله مؤثری برای کنترل و در اعتدال آوردن سیکل (Cycle) های ورشکست کننده رونق اقتصاد که در نتیجه رکود ناگهانی نظام مالی بوقوع می پیوندد، واقع شود. کاستی های بازار مالی از قبیل: عدم تعادل معلومات (هر گاه یک جانب معامله به نسبت جانب دیگر معلومات بیشتر داشته باشد) مصارف معاملات و مخارج انفاذ قرار داد ها میتواند متشبهین خصوصی کم عاید را که عموماً فاقد تضمین، سابقه استقراض و روابط اند، از کار باز دارد. اینگونه محدودیت های کردتی قرضه مانع جریان سرمایه به اشخاص و افراد کم عاید که دارنده پروژه های منفعت آورند، میگردد. بنأ برخی از مدل های اقتصادی نشان میدهد که گسترش مالی میتواند فقر و نابرابری عواید را مستقیماً با مرفوع ساختن محدودیت های کردتی برای افراد کم عاید و طور غیر مستقیم با بهبود روند اختصاص سرمایه و تسریع روند رشد اقتصادی، کاهش دهد. ولی سایر مدل ها حاکی از آنست که گسترش سکتور مالی شاید در ابتدا نابرابری عواید را قبل از کاهش آن در مراحل نهایی، افزایش دهد. افراد فقیر و بی سرمایه عمدتاً برای بدست آوردن سرمایه بالای سکتور غیر رسمی اتکا مینمایند، از اینرو سکتور مالی رسمی

اغلب به نفع سرمایه داران تمام می‌شود. بر اساس پیش بینی بعضی از مدل های اقتصادی، در مراحل ابتدایی گسترش مالی، تنها پول داران می‌توانند به بازار های مالی دسترسی یافته و از آن مستفید شوند، بنا بر این، گسترش مالی نا برابری عواید را شدت میبخشد ولی سایر اقشار جامعه در اوج مراحل رشد اقتصادی، از مزایای گسترش سکتور مالی مستفید خواهند شد.

شواهد

روند های بسیط و ابتدایی کشور ها بصورت عموم نشان میدهد که نا برابری عواید در کشور هاییکه دارای بازار های مالی گسترش یافته و بیشتر قابل دسترس اند، سطح نا برابری عواید کمتر است. با استفاده از ضریب جینی (Gini) برای سنجش نا برابری درآمد، معلوم میشود که سیستم های گسترش یافته مالی به داشتن سطح پایین تر نابرابری عواید گرایش دارد، گرچه تفاوت های زیادی در آن دیده میشود. سلسله ضریب جینی هر گاه تمامی خانواده ها از صفر الی صد دارای عین عاید باشند. گسترش مالی و دسترسی مالی هر دو که اول آن بر اساس نسبت قروض بازار خصوصی بر تولیدات ناخالص داخلی و دوم آن بر اساس تعداد نمایندگی های بانکی سنجش میگردد، حاکی از منفعت بیشتر قشر پول دار جامعه در مراحل ابتدایی است ولی همینکه سیستم مالی گسترش مییابد، اقشار نادار تر جامعه از آن نیز مستفید میشوند و زمانیکه میزان دسترسی افزایش می یابد، سطح نا برابری عواید به سرعت کاهش می یابد. مشاهدات و نتایج روز افزون کار های تجربی همچنان حامی نفوذ گسترش مالی در کاهش دادن نا برابری درآمد خصوصاً بعد از کنترل سطوح عواید، سایر مشخصات کشور ها، و علیّت با بالقوه معکوس (یعنی امکان آنکه عدم برابری عواید موجب گسترش مالی گردد) است. تحلیل عمومی کشورهای جهان نشان میدهد که ضریب های جینی در کشور هایی که دارای وساطت کننده گان توسعه یافته مالی

(مانند: بانک ها یا شرکت های بیمه) اند، به سرعت کاهش می یابد؛ در صورت موجودیت مراجع مستحکم وساطت کننده، عاید ۲۰ فیصد فقیر ترین قشر جامعه به نسبت حد اوسط عواید مجموعی ملی آن کشور سربلندی افزایش خواهد یافت و تعداد افراد یکه روزانه با کسب کمتر از یک یا دو دالر امرار معاش مینمایند، با بلند رفتن میزان گسترش سکتور مالی، به سرعت کاهش خواهد یافت (Beck, Demircug-Kunt and Levine, 2007). مطالعات جداگانه کشور ها بیانگر عین نتایج است. یک بررسی که به منظور ارزیابی تأثیر گذاری نمایندگی های بانکی در مناطق روستایی کشور هند صورت گرفت، نشان میدهد که دسترسی بیشتر مردم به خدمات مالی (پول تمویلی) باعث افزایش محصولات و کاهش فقر در آن مناطق گردیده است (Burgess and Pande, 2005) و مطالعه دیگری نشان میدهد که دسترسی به نمایندگی های بانکی موجب کاهش نا برابری عواید در ایالات متحده شده است (Beck, Demircug-Kunt and Levine, 2007). فواید گسترش مالی فراتر از تساوی عواید بوده و با سایر شاخص های فقر ربط دارد. به نظر میرسد کشور هاییکه دارای نظام های مالی توسعه یافته اند، نسبت به سایر کشور های دارنده عواید هم سطح، میزان کمتر فقر را دارا اند. ۱۰ فیصد افزایش در نسبت قروض سکتور خصوصی بر تولیدات نا خالص داخلی باعث کاهش ۲,۵ الی ۳ فیصد جمعیت فقیر یک کشور میشود (Honohan, 2004).

همینطور، یک فیصد افزایش در نسبت قروض سکتور خصوصی بر تولیدات نا خالص داخلی موجب کاهش ۰,۲ الی ۲,۵ فیصد قحطی / سوء تغذیه میگردد (Claessens and Feijen, 2007). همچنان شواهدی وجود دارد که گسترش مالی میتواند باعث بهبود حفظ الصحه عامه، بلند رفتن سطح تعلیم، فراهم شدن فرصت مساوی کسب عواید برای مردان و زنان

و کاهش کار خورد سالان گردد. ولی تمامی ابعاد گسترش مالی، نا برابری عواید را کاهش نخواهد داد، خصوصاً در کوتاه مدت. طور مثال: مطالعاتی که در رابطه به تأثیرات آزاد سازی بازار های اسهام در کشور های رو به ترقی صورت گرفته است نشان میدهد که تنها قشر پول دار از مزایای گسترش مالی به قیمت دارایی طبقه متوسط جامعه مستفید میشوند. همین گونه، جهانی سازی مالی خصوصاً زمانیکه سرمایه گذاری مستقیم خارجی مطرح میشود، در عدم تساوی روز افزون عواید نقش دارد. بیشتر خطر آن وجود دارد که شاید حلقات کوچک اشخاص و افراد نخبه، پروسه های آزاد سازی مالی را تحت تسلط خود در آورده و آنرا به جهت ها سوق دهند که بر خلاف توسعه آن سکتور، به گروه های خاص محدود گردد.

چقدر کافی خواهد بود؟

گرچه نظام های مالی که از فعالیت سالم بر خوردار اند میتوانند ممد رشد اقتصاد واقع شوند، گسترش بیش از حد این سکتور همچنان میتواند خطراتی را در قبال داشته باشد. نظر به برآورد های تجربی، هر گاه نسبت قروض سکتور خصوصی بر تولیدات نا خالص داخلی از ۱۰۰ فیصد تجاوز نماید، رشد بیش از حد سکتور مالی میتواند موجب نوسان سریع رشد تولیدات گردد (Easterly, Islam, Stiglitz, 2001). تعیین حدود نهایی رشد نه تنها متکی بر سطح رشد نظام مالی بوده بلکه به ویژگی های گسترش نظام مالی سایر کشور ها از قبیل: کیفیت موسسات مالی بشمول چارچوب مقرراتی و نظارت مالی آنها تعلق دارد. هر گاه موسسات مالی یک کشور ضعیف باشد، یکپارچه سازی بازار های مالی آن با سایر کشور ها میتواند باعث بوجود آمدن نوسانات سریع در اقتصاد بزرگ گردد (مانند: فراز و نشیب میزان رشد و بیکاری) کشور های در حال توسعه اکثراً از این معاییر فاصله زیادی داشته ولی این کشور ها

همچنان بسوی کشمکش و نابسامانی ناشی از سکتور مالی، در حرکت اند. سطح فقر عموماً در جریان بحران های مالی همینه که مخارج عامه متأثر و کمک ها را کد شود، بلند میروند.

مساعدت قشر نادار

شواهد اینکه گسترش مالی باعث رشد اقتصادی شده و اقشار نادار و کم عاید جامعه را توانمند میسازد مژده ایست برای کاهش فقر و مواقع مساوی کسب عواید. بالاخص برای کشور های کم عاید که روند های اخیر شاخص های گسترش مالی آنها میتواند بیانگر دوره رشد قابل ملاحظه و مداوم باشد. چطور میتوان این روند نسبتاً مفید را تقویت بخشید؟ در اینجا چند سازه کلیدی پالیسی حایز اهمیت است. اقتصاد بزرگ با ثبات میتواند سرمایه گذاری داخلی و خارجی را جلب نماید که فرصت کلیدی ایست برای ممد واقع شدن گسترش مالی در رشد اقتصاد. پالیسی اخذ مالیه و مخارج دولت و اداره نمودن مقروضیت میتواند مستقیماً با جلوگیری سطح مقروضیت داخلی که مانع میسر سازی پول سرمایه گذاری خصوصی میگردد، مفید واقع شود. در حالیکه به نظر میرسد، رویداد های جانبی بی ثباتی مالی، عواید را از پائین ترین الی بلند ترین سطح آن متأثر میسازد، قشر فقیر آمادگی مبارزه با نزول سطح عواید را ندارند (Honohan, 2005). سایر اصلاحات بنیادی: شواهدی که در رابطه به اثر گذاری متقابل بین اصلاحات اساسی وجود دارد، اصلاح ساختار بازار های مالی چون: تجارت، زراعت و خدمات داخلی را روی موفقیت بیشتر استراتیژی های گسترش مالی در انگیزش رشد، تأیید مینماید. قابلیت کسب منفعت بیشتر و توانایی تجارت خانه های داخلی در باز پرداخت دیون ایشان که در نتیجه اصلاحات بازار های تولیدات به میان می آید، منتج به فراهمی بیشتر پول قرضه گردیده است (Ostry, Prati, and Spilimbergo, 2008). شرایط قانونی و ساختار بازار مالی: سروی هایی مانند: سروی

Doing Business بانک جهانی روی نقش

حقوق جابداد ها و قابلیت انفاذ قرار داد ها روی گسترش مالی روشنی انداخته است. قشر نادار آمادگی مبارزه با سیر نزولی عواید را ندارد پیرویه های متوازن، شفاف و به موقع تصاحب تضمین قرضه در صورت عدم باز پرداخت آن توسط مقروضین، موسسات مالی را تشویق مینماید تا به مقروضین بیشتر و تجارت خانه های کوچک قرضه اعطاء نمایند که در نتیجه موجب رقابت آمیز شدن و متحرک شدن سکتور تجارت میگردد. در کشور های بزرگ و ترقی یافته تر، باید روی بازار های سرمایه (بازار اسهام) تأکید صورت گیرد. فراخ سازی دسترسی به خدمات مالی: باوجود گسترش اخیر سکتور مالی، دایره نظام های مالی در کشور های کم عاید خصوصاً در بیشتر قسمت های نیمه صحرای بزرگ قاره افریقا محدود باقی مانده است. تفاوت قابل دید میان نرخ پس انداز، امانات و نرخ تکتانه انعکاس دهنده نبود رقابت در آن ساحت بوده و نمیگذارد تا تجارت خانه ها از مزایای بزرگ اقتصادی مستفید گردند. آزاد سازی سکتور بانکی که باعث ایجاد رقابت (با در نظر داشت ثبات مالی) میشود رشد اقتصادی را سرعت مبخشد. صندوق بین المللی پول تخمین نموده است که میزان رشد سالانه آئنده کشور هایی که سکتور های بانکی شان آزاد است به نسبت کشور هایی که سکتور های بانکی آنها از آزادی کامل بر خوردار نیست، یک فیصد بیشتر بوده است (Ostry, Prati, and Spilimbergo, 2008). یکپارچه سازی: یکی از راه هایی که میتوان رقابت سکتور بانکی را بیشتر نموده و دسترسی مالی را ترویج داد، یکپارچه سازی جهانی و منطقوی است. طور مثال: گسترش سکتور بانکی داخلی به میزان مناسب و با آوردن اصلاحات برای تمامی اقتصاد های کوچک و بزرگ، فواید خویش را دارا است. برای کشور هایی که فعالیت کمتر مصارف بلند تر عملیاتی را دارا اند، تأثیرات قبل از رقابت را

در بر داشته و دسترسی به خدمات مالی را از طریق پایین آوردن نرخ ها و تکثیر سلسله خدمات بانکی فراهم شده، بیشتر میسازد. این نوع گسترش را میتوان از شخصیت دادن حقوقی بانک های تابع بانک های خارجی در داخل کشور یا تجویز نمایندگی های بانک های خارجی تحقق بخشید. اقدامات ضمنی به منظور هماهنگی مقررات و همکاری های نظارتی همچنان میتواند باعث ترویج رقابت در این سکتور گردد. توافقات تجارتی منطقوی و چند جانبه به همین منظور یعنی تسهیل و استحکام خارجی همچو اصلاحات صورت گرفته است. هدف این استراتیژی ها عموماً گسترش مالی است؛ شواهد موجود در رابطه به استراتیژی های خاص که بوسیله آن بتوان سطح فقر را بیشتر کاهش داد، هنوز هم محدود است. ولی بعضی ساحت مستلزم تأکید اند. با در نظر داشت میزان بیشتر فقر و ناداری در ساحت روستایی، مراجع نظارتی میتوانند از عدم سازگاری مقررات صنف بندی قروض و مقتضیات سرمایه روی شرایط اعطاء قروض زراعتی که اکثریت خانواده های نادار در آن سکتور مصروف کار و فعالیت اند، جلوگیری نمایند. در کشور های در حال توسعه، بهره برداری از فن آوری های جدید که میتواند دسترسی مالی را به آنهائیکه قبلاً از آن محروم بوده اند، وسیع سازد. طور مثال: برنامه های انتقال پول از طریق سیت های موبایل در کشور کینیا که از آن طریق افراد کم عاید میتوانند به خدمات بانکی دسترسی داشته باشند، خدمات مالی را طور موقفانه گسترش داده و در عین حال باعث کاهش مصارف طی مراحل معاملات و تسهیل داد و ستد گردیده است. ●

اداره بیمه سپرده های افغان



فضل کریم وزین مدیر بیمه سپرده های افغان

به سلسله معرفی ادارات و بخشهای مختلف د افغانستان بانک و چگونگی پروسه کاری آنها، درین شماره اداره بیمه سپرده های افغان را که دو سال قبل در تشکیل د افغانستان بانک ایجاد شده معرفی میداریم. در رابطه با محترم فضل الکریم وزین مسوول آن اداره مصاحبه یی داریم که میخوانید:

سوال: لطفاً در مورد مفهوم بیمه سپرده ها در سیستم بانکی معلومات ارایه نمائید؟

جواب: بیمه سپرده ها Deposit Insurance قسمیکه از نامش پیداست سیستمی میباشد که سپرده گذارانیکه در بانکهای تجارتي و یا نهاد های مالی، میخواهند سپرده های خود را به امانت بگذارند، در صورت بروز خطر احتمالی ورشکستگی بالای این بانکها و یا نهاد های مالی، که قادر به تادیه یا پرداخت پول سپرده گذاران نباشند، این اداره با شرایط معین خویش به تادیه امانات سپرده گذاران خواهد پرداخت. بناً اداره بیمه سپرده ها مسئولیت دارد تا از سپرده های مردم درین بانکها و یا نهاد ها محافظت کند و مصئونیت سپرده هایشانرا با شرایط معین تضمین نماید.

سوال: به نظر شما اهداف و اهمیت بیمه سپرده های بانکی را در چه نکاتی می توان خلاصه کرد؟

جواب: ثبات در سیستم اقتصادی بدون اعتماد مردم بالای سکتور مالی امکان پذیر نیست. اداره بیمه سپرده ها به طور عام، اراده و اعتماد مردم را به منظور اینکه سپرده های شان در یک بانک و یا نهاد مالی مصئون باقی خواهد ماند هر چه بیشتر مستحکم میسازد، ازین

جهت اهداف آن را میتوان در چند نکتهً طور ذیل خلاصه نمود:

اول- حمایه از سپرده گذاران کوچکی می باشد که ایشان در آن وضعیت قرار ندارند تا خطرات نهاد های مالی را که در آنجا سپرده های خویش را به امانت گذاشته اند بررسی نمایند. این موضوع دارای دو علت می باشد: عدم توانائی و بر عهده گرفتن خطر یا ریسک نهاد مالی.

علاوً اگر توانائی هم داشته باشند معلومات نا کافی در رابطه به خطر در آن نهاد مالی بدسترس خواهند داشت.

دوم- بیمه سپرده ها، همکاری در اعاده و حفظ اعتماد مردم بالای سیستم بانکی و ترویج ثبات و استقرار مالی می باشد که با بدست آوردن این هدف از هجوم سپرده گذاران (Bank Run) بالای نهاد های مالی (بانکها) حین وقوع ورشکستگی و یا افلاس در یک بانک جلوگیری به عمل آورده و مصئونیت تمام سیستم بانکی را از خطرات احتمالی در

یک بانک حفظ خواهد نمود.

سوم- تشویق سپرده گذاران به منظور افزایش در پس انداز های شان که اساساً این موضوع باعث رشد اقتصادی در کشور میگردد.

چهارم- بیمه سپرده ها، توانمند ساختن بانکهای کوچک و بانکهای جدید التأسيس در رقابت با بانکهای بزرگ مجوز می باشد.

سوال: تاریخچه و روند رشد و انکشاف بیمه سپرده ها در سیستم های بانکی جهان بویژه کشور های توسعه یافته و کشور های رو به انکشاف معلومات ارائه نمایید ؟

جواب: اداره بیمه سپرده ها برای اولین بار تحت نام اداره بیمه سپرده های فدرال (Federal Deposit Insurance Corporation) در سال ۱۹۳۳ میلادی در ایالات متحده امریکا زمانی اساس گذاشته شد که بین سال های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ هزاران بانک ورشکست گردیده بودند. این ابتکار برای بار نخست به منظور تاسیس این اداره برای استقرار سیستم بانکی و نهاد های مالی، ◀▶

بانکها را در مقابل خطر هجوم سپرده گذاران (Bank Runs) برای استرداد سپرده های شان محافظت می کند. در غیر آن بروز این حالت، پروسه وساطت مالی در کشور فلج شده و سیستم تادایاتی (Payment System) مختل و اثرات سوء آن دامنگیر سیستم مالی در کشور خواهد شد.

باید گفت که اداره بیمه سپرده های افغان از دو سال بدینسو بر اساس تصویب شورای عالی د افغانستان بانک جهت حمایه از سپرده گذاران و ازدیاد اعتماد مردم بالای سکتور بانکداری که باعث رشد و توسعه اقتصادی در کشور میگردد، در چوکات د افغانستان بانک به فعالیت خویش آغاز نمود.

نقش اساسی اداره بیمه سپرده های افغان، جلوگیری از بحران مالی، ثبات سیستم بانکی، جلب اعتماد مردم بالای نظام بانکی، حمایه و حفاظت از سپرده های مردم نزد بانکهای تجارتي در کشور می باشد.

اداره بیمه سپرده های افغان فراهم کننده اداره سالم از خطرات در سیستم بانکی افغانستان گردیده و قابل تذکر است که ثبات سکتور بانکی تنها از طریق بیمه سپرده ها نمی تواند متصور باشد بلکه گسترش این روند در تشریک مساعی و هماهنگی نهاد های ذیربط تحقق خواهد یافت.

همچنان باید گفت که اداره بیمه سپرده های افغان با اینکه یک نهاد نو پا و جدید التاسیس می باشد، رویهمرفته توانسته است خدمات ذیل را فراهم سازد:

- تهیه مسوده قانون اداره بیمه سپرده های افغان.

- جمع آوری سرمایه ابتدائی و دورانی این اداره.

- جمع آوری حق العضویت معین (Membership Fee) از بانکهای تجارتي که عضویت این اداره را دارا می

سلسله آغاز فعالیت (۸) کشور در حال حاضر در مرحله نهائی شدن قرار داشته و همچنان ۳۳ کشور دیگر این موضوع را تحت مطالعات جدی قرار داده و می خواهند تا چنین اداره یی را در جهت ثبات سیستم بانکی خود ایجاد نمایند.

سوال: روی چه عاملی اداره بیمه سپرده های افغان (ADIC) تأسیس و شروع به کار نمود؟

جواب: عموماً کشور ها به منظور رشد ثبات مالی سکتور بانکداری و کاهش اثرات بحران مالی، شبکه حمایوی مالی (Financial Safety Net) را تأسیس می نمایند. که این شبکه به شکل عام ذریعه سه عامل مهم تحقق می یابد.

اعطای قرضه توسط بانک مرکزی به حیث آخرین مرجع قرضه دهی برای بانکهای تجارتي. (Lender of Last Resort) نظارت بانکی محتاطانه (Prudential Financial Supervision). بیمه سپرده ها (Deposit Insurance).

شایان ذکر است که، بعد از احیای سکتور بانکی در سال ۲۰۰۲ میلادی، د افغانستان بانک به طور خاص به نظارت بانکهای تجارتي به منظور فعالیت قانونمند و مصئون بانکهای تجارتي و علاوه بر آن د افغانستان بانک با اعطای قرضه منحیث آخرین مرجع قرضه دهی برای بانکهای تجارتي اتکاء نموده است.

بناً حسب ضرورت های مبرم و اساسی و نیازمندیهای جدی حمایه از ثبات سکتور مالی در کشور، د افغانستان بانک تصمیم گرفت تا این خلاء را مرفوع ساخته اداره یی را تحت نام اداره بیمه سپرده های افغان به حیث یک عامل اضافی حمایوی تأسیس نماید.

بناً برنامه بیمه سپرده ها، سپرده گذاران کوچک را در مقابل اضرار و خطر های ناشی از ورشکستگی بانکها حفظ نموده و علاوه بر آن،

جایگاه خاصی را در سطح آن کشور برقرار نمود.

همچنان در سال ۱۹۶۱ کشور هندوستان هنگامیکه دو بانک بزرگ و مشهور بنام های پالی سنترال بانک لمیتد و لکزمی بانک لمیتد (Palai Central Bank Ltd, Laxmi Bank Ltd) در سال ۱۹۶۰ ورشکست شدند، هندوستان نیز بدین منظور اداره یی را تأسیس نمود که فعلاً تحت نام (Deposit Insurance and Credit Guarantee Corporation) در آن کشور فعالیت دارد که تأسیس این نهاد نقش بسزای خود را در ثبات سکتور بانکی در آن کشور داشته است.

همچنان در سال ۱۹۶۷ کشور کانادا نیز اداره یی را بنام (Canada Deposit Insurance Corporation) گذاشت که از سال ۱۹۶۷ میلادی بدینسو در حدود ۴۳ نهاد مالی ورشکست گردیدند، بانکهای مذکور عضویت این اداره را داشتند، خوشبختانه این اداره توانست تا جواب قناعت بخشی را برای سپرده گذاران فراهم سازد.

همچنان در سال ۱۹۹۷ زمانیکه بحران مالی آسیائی به وقوع پیوست، بسیاری از ممالک آسیائی چون: کشور مالیزیا، اندونیزیا، سنگاپور، تایلند و غیره بعد از طرح پلان دقیق، موفق به تأسیس اداره بیمه سپرده ها گردیدند. که با تأسیس این اداره، جلب اعتماد مردم در جهت ثبات سیستم بانکی رونق هر چه بیشتر یافت.

سوال: تا حال چند کشور در سطح جهان موفق به تأسیس اداره بیمه سپرده ها گردیده اند؟

جواب: بر اساس آمار انجمن بین المللی بیمه کنندگان سپرده ها (International Association of Deposit Insurers)، فعلاً در سطح جهان (۱۱۱) کشور دارای سیستم بیمه سپرده ها می باشند.

باشند.

- وضع نمودن حق بیمه (Premium) از بانکهای تجارتي اعضاء.

- سرمایه گذاری وجوه این اداره.

- ترتیب تشکیلات پرسونل و تکمیل طرز العمل ها.

- برقراری ارتباطات کاری با مراجع ذیربط در داخل و خارج از کشور.

- ارتقاء ظرفیت کارمندان این اداره در رشته های مربوط و ایجاد تسهیلات فراگیری برنامه های آموزشی در کشور های مختلف و ادارات مالی با اعتبار خارج از کشور چون مالیزیا، هند، ترکیه، اردن و غیره.

- اجرای مطالعات و تحقیقات علمی در مورد بیمه سپرده ها در سطح جهان و مطالعات تجارب مشابه در کشور هایی که دارای اداره بیمه سپرده های موفق می باشند.

باید علاوه نمود که: جزء اساسی عواید اداره بیمه سپرده های افغان از مدارک جمع آوری حق بیمه (Premium) از بانکهای تجارتي داخل کشور و اخذ مقدار معین حق العضویت از بانک های مجوز فراهم میگردد.

مجموعه سرمایه ابتدائی اداره بیمه سپرده های افغان با سهم گیری دو نهاد هر کدام وزارت مالیه و د افغانستان بانک تأمین می گردد.

سوال: روند عضویت بانکهای تجارتي و سایر نهاد های مالی کشور به اداره بیمه سپرده های افغان چگونه تنظیم می گردد؟

جواب: هر نهاد مالی سپرده گیرنده که از طرف د افغانستان بانک اجازه نامه و یا جواز کار را اخذ کرده است، یا به عباره دیگر تمام بانکهای تجارتي که در کشور فعالیت دارند، الزاماً باید حق العضویت این اداره را حاصل نموده و حق بیمه را بپردازند. در رابطه به پروسه جمع آوری حق البیمه (Premium) از بانکهای تجارتي از طرف این اداره به کدام شکل صورت

میگیرد؟

در رابطه به پروسه جمع آوری حق بیمه (Premium)، از مجموع حسابات بانکهای تجارتي به استثنای حسابات بین البانکی شان، سالانه به طور ربعوار بر مبنای راپور اساسی امانات این بانکها که از جانب دیپارتمنت نظارت امور مالی د افغانستان بانک به کتگوری ها ترتیب و تنظیم شده است بدسترس این اداره قرار داده میشود و آنگاه این اداره بر اساس فورمول معین خویش حق بیمه (Premium) وضع می نماید.

باید گفت که اداره بیمه سپرده های افغان، سپرده گذاران را طور رایگان و بدون اینکه ایشان کدام درخواستی را عنوانی کدام مرجع خاصی داشته باشند، حسابات شان را به شکل اتوماتیک و فوری بیمه خواهد نمود.

شایان ذکر است که حق بیمه حسابداران (سپرده گذاران) قسمیکه قبلاً تذکر یافت از طرف بانکهای مربوطه شان تادیه میگردد.

اینکه کدام نوع حسابات از جانب بیمه سپرده های افغان بیمه میشوند باید گفت که: به استثنای حسابات بین البانکی بانکهای تجارتي، بقیه مبالغ و یا وجوهیکه از طرف بانکهای سپرده گیرنده به شکل طبیعی و یا عادی حصول میگردد، تحت پوشش بیمه سپرده های افغان قرار دارند که میتوان به شکل عمومی حسابات قابل بیمه را در ذیل یاد آوری نمود:

- حساب جاری (Current Account)

- حساب پس انداز (Saving Account)

- حساب میعادی (Fixed Deposits)

- حساب اسعار خارجی (Foreign Currency Account)

حسابات سپرده گذاران که قبلاً بدانها اشاره گردید، تحت پوشش اداره بیمه سپرده های

افغان قرار خواهند داشت.

سوال: مهمترین برنامه های آینده اداره بیمه سپرده های افغان چیست؟

جواب: آن نکاتی که اداره بیمه سپرده های افغان جهت بهبود برنامه های خویش بدانها اولویت خواهد داد، قرار ذیل اشاره می گردد:

معیاری ساختن شیوه فعالیت های اداره بیمه سپرده های افغان با نورمهای قبول شده بین المللی.

- برنامه ریزی معین جهت کاهش خطرات در بانکهای تجارتي.

- آگاهی عامه جهت آشنائی در مورد بیمه سپرده ها.

- برنامه سازی جهت باز پرداخت فوری مقدار پول بیمه شده در صورت ورشکست شدن یک نهاد مالی (بانک)

- بالا بردن سطح ظرفیت علمی کارمندان.

تکمیل تشکیلات این اداره.

باید گفت که تاثیرات ارزنده و مثبت روند کاری اداره بیمه سپرده های افغان در جهت استقرار و ثبات اقتصادی کشور را همانگونه که قبلاً اشاره شد می توان در چند مورد ذیل نیز خلاصه نمود:

- اعاده و حفظ اعتماد و اطمینان مردم بالای سیستم نوین بانکی افغانستان.

سهمگیری با ادارات ذیربط جهت رشد و ثبات سیستم بانکی در کشور.

- استقرار سیستم مالی دراز مدت در سطح کشور.

در نظر داشتن سه نقطه فوق الذکر در ترویج و رشد اقتصادی نقش مهم را ایفا خواهد نمود.

اداره بیمه سپرده ها در حمایه و ایجاد اطمینان بالای بانکها و حفظ اعتماد مردم بالای سیستم بانکی در کشور نقش ارزنده یی داشته که این موضوع باعث رشد و توسعه اقتصاد طولیل المدت در کشور خواهد گردید. ●

د هېواد د ملي بانکوټونو د ساتلو فرهنگ

د بانکوټونو ساتنه، جدي پاملرنه غواړي

څرنگه چې څرگنده ده، تير وخت د افغانستان په ځينو سيمو کې څو ډوله بانکوټونه د چلند وړ و. خو له يوې اوږدې مودې کړکيچ څخه وروسته اوس مهال زموږ هېواد د پرمختګ په لور روان دی او د افغانستان بانک هم تل کوشن کوي، چې ښه او ارزښتناکه خدمتونه خلکو ته وړاندې کړي.

د افغانستان بانک له سترو او برياليو کارونو څخه يو هم د نوي بانکوټونو چاپول دي، خو له بده مرغه يو شمېر لاملونه شته چې دا بانکوټونو په ډېره کمه موده کې خپل کيفيت او پخوانۍ ښه له لاسه ورکوي او زړيري. که څه هم د دې بانکوټونو د کاغذ کيفيت د يورو له کاغذ سره ورته ده، خو بيا هم له ټاکلي وخت مخکې زاړه او مندرس کېږي او حتی افغانستان يې د نړۍ د کاغذي پيسو د استهلاك کيدو له امله تر ټولو په لوړه کچه کې راوستی دی.

په دې ليکنه کې پر دې موضوع زيات بحث کېږي، چې ولې بانکوټونه ژر زړيري؟ بنسټيز لاملونه يې څه دي؟ او د حل لپاره يې څه کول پکار دي؟ پته دې پاتې نه وي چې د دې بانکوټونو د زړيدو، شليدو او مندرس کيدو اصلي

لامل په افغانستان کې د بانکوټونو د ساتلو د فرهنگ نه شتون دی.

لومړی دا چې ولې په افغانستان کې بانکوټونه ژر زړيري او بنسټيز لاملونه يې څه دي؟ واضح ده، که مونږه او تاسې وگورو د نورې نړۍ خلک د خپل هېواد د بانکوټونو د ښه ساتلو لپاره له مختلفو لارو چارو څخه کار اخلي، خو له بده مرغه په افغانستان کې د بانکوټونو د ساتلو د فرهنگ نه شتون او په ډېرې بې پروايي سره له افغانۍ بانکوټونو څخه ګټه اخيستلو ډېری هېواد وال له ستونزو سره لاس او گريوان کړي دي.

که چېرې تاسو ته پوښتنې پيدا شي چې د بانکوټونو د زړيدو اصلي لاملونه څه شی کيدای شي؟ نو ځوابونه به يې دا وي. لومړی زموږ ډېری هېوادوال اوس هم خپلې پيسې د پخوا په شان په نمناکو او نا ډاډمنو ځايونو کې ښخوي او يا يې د ديوالونو په منځونو کې ساتي، چې په پايله کې د دوي پيسې د رطوبت، سوځيدنې او يا هم د غلا په وجه ضايع کېږي او په يو اصطلاح په خپل لاس خپل اقتصاد له ناوړين سره مخامخ کوي. خو يو شمېر هېواد وال په ځانگړې توګه ميرمنې د دې پر ځای چې بانکوټونه د پيسو په ځانگړو بکسونو او جيبونو کې وساتي زياتره يې گونځې کوي او په ورغويو کې نيسي. ډېری ښځې او

بانکوتونو د دې ډول ساتنې له امله په سلهاو نمونې لیدل کېږي، خو بانکونه له بده مرغه د خپلو مقرراتو او قوانینو په پام کې نیولو سره له داسې اشخاصو سره مرسته نشي کولای. نو ګرانو هېوادوالو له زیان یا تاوان څخه وروسته افسوس او پېښماني هیڅ ګټه نه لري. که له یوې خوا د بانکوتونو په ساتلو کې توجه نه کول د پیسو خاوند ته زیان رسوي، له بلې خوا یې زیان مونږ ټولو هېوادوالو ته رسیږي، هغه په دې مانا چې د بانکوتونو په چاپولو کې د افغانستان د ملت زیاتې پیسې مصرفیږي، نو له همدې امله باید خپل بانکوتونه په سمه توګه وکارو؛ صحیح ساتنه یې وکړو او له غوړیدو، شلیدو او ژر زړیدو څخه یې مخنیوي وکړو تر څو نه یوازې د هېواد د اقتصادي کچې په لوړولو کې مو مرسته کړي وي بلکې د افغانستان بډایه کلتور به مو هم نندارې ته وړاندې کړی وي.

افغانی بانکوتونه د ملي یووالي سمبول او زموږ د هېواد پېژندګلوي ده، زما غوښتنه له خپلو هېوادوالو څخه دا ده چې افغانی ته درناوی وکړي، د ګټې اخیستنې په وخت کې یې سمه ساتنه وکړي او د هغه په خوندي ساتنه کې هیڅ ډول پاملرنه ونه دریغوي. ●

عین الله عیان

څخه ژغورل کیدای نه شي، تر څو د بانکوتونو د ښه ساتلو کلتور دود نه شي. دا چې څنګه د بانکوتونو د ساتلو فرهنګ دود کېږي او د پورته یادو شویو ستونزو د حل لپاره څه کول پکار دی، لاندې به پرې رڼا واچوو.

لومړي له خپلو ټولو هېواد والو څخه دا هیله لرم، چې نه یوازې له دې بانکوتونو څخه د ورځنۍ اړتیاوو د له منځه وړلو په موخه کار واخلي، بلکې په ښه ساتلو کې یې زیاته پاملرنه وکړي، که چېرې دا بانکوتونه ژر زاړه، مندرس او وشلیږي نو د افغانستان بانک مجبور او مکلف دی چې د بیا چاپ لپاره یې زیاتې پیسې په لګښت ورسوي، چې دا کار زموږ د هېواد لپاره یو ستره مالي ضربه ګڼل کېږي.

که چېرې مونږ او تاسې نوټونه په ښه او سالمه توګه د پیسو په ځانګړي بکسکونو کې وساتو او ورڅخه په خپلو راکړو ورکړو کې په احتیاط سره کار واخلو، دا کار به له یوې خوا زموږ د ښه کلتور ښکاروندوي وي او له بلې خوا به د چاپ له اړخه زموږ د هېواد لګښتونه هم کم شي او خلک به په ډاډمنتیا سره خپلې معاملې تر سره کړي.

د بانکوتونو پاک ساتل، نه قاتول، نه استیلا کول او په لمدو لاسونو نه نیول به زموږ د بانکوتونو عمر اوږد کړي او د راکړې ورکړې پر مهال به زموږ شته ستونزې لیرې کړي.

همدارنګه په بانکونو کې هره ورځ د

ماشومان د پیسو د ساتلو بکسونه نه پېژني او له بلې خوا د جیب وهونکو له ډاره هم خپلې پیسې په لاسونو کې قاتې را قاتې نیسي. بل مهم لامل چې د بانکوتو کیفیت او خاصیت ژر له منځه وړي، هغه په راکړه ورکړه کې د یو شمېر هټیوالو او تیل پلورونکو لخوا په لمدو او غوړو لاسونو سره د بانکوتونو استعمال دی، حتی ځینې کسان یې د یو عادي کاغذ په توګه له ځانه سره ساتي. که چېرې مونږ او تاسې وګورو زموږ ډیری بانکوتونه د یو شمېر هټیوالو لخوا د استیلا، یاداشت لیکلو، زیات قاتولو او په نمناکه ځایونو کې د ایښودلو له امله زاړه او مندرس کېږي. پټه دې پاتې نه وي چې یو شمېر کسان بانکوتونه د ماشومانو د تفریح په توګه کاروي او ځینې بیا په بانکوت باندې ماشومان غلي کوي. چې په دې کار سره له یوې خوا د بانکوتونو عمر کموي او له بلې خوا د خپل هویت او فرهنګ سپکاوی کوي، ځکه چې افغانی بانکوتونه زموږ د هویت او فرهنګ ښکارندوی دی.

که څه هم د افغانستان بانک د بانکوتونو د دوامداره ساتلو په موخه د بانکوتونو د چاپ په نوې لړۍ که یو شمېر بدلونونه او نوي ترتیبات تر لاس لاندې نیولي دي، خو سره له دې ټولو امنیتي ترتیباتو بیا هم یو بانکوت په بشپړه توګه له زړښته او مندرس کیدو

زندگی، نان و دیگر هیچ

محمد کبیر کاووسی

علمی و عملی، مشکل فقر را از میان بردارند، اندازه گیری و تعیین خط فقر ایجاد سیستم های حمایتی برای حمایت از افراد زیر خط فقر، از آخرین تلاش های انجام شده محسوب می گردد. در نهایت تلاش برای امحاء یا کاهش فقر تا امروز به نتیجه قابل پذیرش نرسیده است.

گذاشته است که هر کدام با بر شمردن نیکویی ها و عیب هایی از جانب مردم بدرقه شده است، گذار روند زندگی اجتماعات بشری از مراحل و ابعاد مختلف طی سالها و سده ها، باعث پدیدار شدن دو پدیده غنی و فقیر یا غنا و فقر شده است، این دو طبقه یا دو پدیده همیشه در نقطه

انسانها از بدو پیدایش، با مسئله غذا برای زنده ماندن و تنازع بقا سر دچار بوده اند. در اوایل مشکلی از این رهگذر وجود نداشت، هر کس بقدر ضرورت خویش مصرف می کرد و روزگار می گذراند، زیرا غذا در طبیعت بقدر وفور وجود داشت، هیچ گونه بد بینی و جنجال بین افراد جامعه رو نما نمی گردید. آهسته آهسته وقتی تعداد انسانها رو به فزونی نهاد، طبعاً بین افراد جامعه، برای بدست آوردن غذا جنجال ها و مشاجرات نیز روز تا روز افزایش یافت. طی دوران زندگی بشر تا امروز، تلاش برای دریافت غذا و مواد خوراکی ادامه داشته، که بتدریج این موضوع خیلی ها اهمیت پیدا کرده و زمینه نزاع ها و جنگهای بزرگ را میان اقوام، قبیله ها و حتی ملل فراهم ساخته است. گاهیگاهی مردم فقیر و نادار بالای مردم ثروتمند و دارا یورش برده و برای کسب غنایم و دارایی، که هدف اصلی همانا بدست آوردن غذا و مایحتاج برای سد جوع و نجات از مرگ بر اثر گر سگی بوده، ده ها و صد ها تن افراد جامعه، حیات خویش را از دست داده اند. طی قرون متمادی اجتماعات بشری فرماسیونها و مراحل اجتماعی - اقتصادی زیادی را پشت سر



پرسشی به میان می آید که فقر چیست؟ فقر به معنی کافی نبودن تغذیه، مرگ و میر نوزادان، امید به زندگی پایین، صحت و درمان، تعلیم و تربیه، تهیه مسکن نا مناسب و... با تأسف در افغانستان هیچ وقت مطالعه جدی و اساسی روی مسئله فقر و تعیین خط فقر صورت نگرفته

تقابل با هم قرار گرفته و در پی نفی یکدیگر میباشند. پیدایش فقر از دیر زمان یکی از موضوعات اساسی و مهم برای مورخان، فیلسوفان، جامعه شناسان، و اقتصاد دانان در جستجوی راه های مقابله با آن بوده اند. و اقتصاد دانان تلاش های زیادی بخرج داده اند، تا با ارایه طرح های

است، از اینرو آمار دقیق درین رابطه در دسترس نیست. در اثر جنگ های سه دهه اخیر چرخ اقتصادی افغانستان نا متوازن گردیده و فقر همگانی را بمیان آورده و میزان بیکاری وسیع هم دامنگیر ملت گردیده است. بنا بر گزارش بانک جهانی درآمد سرانه افغانها ۳۷۰ دالر امریکایی میباشد. با آنهم بعد از سال ۲۰۰۲ دولت در جهت فقر زدایی و رشد اقتصادی گامهایی برداشته و مبارزه علیه فقر به یکی از اهداف استراتژیک آن مبدل شده است. در حال حاضر در کشور ما دو حالت متضاد از نگاه ثروت و فقر حکمفرماست، تعدادی از راههای مختلف، آنچنان ثروت و دارایی بهم زده اند که به اصطلاح عوام خود شان حساب دارایی خود را نمی دانند. تعداد دیگری یا بخش مقابل آن که قشر فقیر و نادار است. یک وقت غذای کافی بدست نمی آورند و به غذای صبح و شام خود حیران اند که چگونه بدست خواهد آمد. در شرایط فعلی با وجود سرازیر شدن میلیارد ها دالر کمک های جامعه جهانی وضعیت اقتصادی مردم ما همچنان بهبود نیافته با وجود تغییرات در ساحات مختلف و حتی در سطح زندگی یک تعداد افراد جامعه، عده بی دیگری در وضعیت بسیار اسفبار و بدی بسر می برند. یکی دیگر از عوامل مشکلات و فقر ناشی از آن، بروز خشکسالی های پیهم در کشور است که قشر زراعت پیشه و مالدار را تحت فشار

شدید اقتصادی قرار داده است که دهقانان للمی کار از این ناحیه بیشترین ضرر را متقبل گردیده اند. حکومت افغانستان به منظور کمک به آسیب دیدگان خشکسالی خواستار کمک چند صد ملیون دالری از کشور های کمک کننده شده است. بر اساس اظهار مقامات حکومت افغانستان اگر این رقم را از مجامع بین المللی بدست آورده بتوانند آنرا به آسیب دیدگان خشک سالی و افراد زیر خط فقر توزیع خواهند کرد. وزارت زراعت افغانستان می گوید که در زمستان پیشرو چهار صدهزار خانواده به کمک های غذایی ضرورت دارند. به گفته وزیر زراعت، چهار تا پنج ملیون تن در افغانستان در زیر خط فقر قرار دارند که نیازمند کمک های غذایی در زمستان امسال می باشند، بنا بر اظهارات وزیر زراعت چهل هزار تن گندمی که در ذخیره گاه این وزارت موجود است، برای آسیب دیدگان خشک سالی اختصاص داده شده است و بصورت رایگان برای دوصد هزار خانواده متأثر از خشک سالی توزیع می شود.

محترم محمد کریم خلیلی رئیس کمیته ملی حالات اضطرار و معاون دوم ریاست جمهوری ضمن تأیید نیاز شدید به مبلغ در خواست شده کمکی تأکید کرد که دولت با ایجاد انسجام بیشتر در سطح نهاد ها و ادارات ذیربط و نیز کمک و هماهنگی با جامعه جهانی مصمم است که با این

خشک سالی ها مقابله و آنرا مهار نماید. وی تصریح کرد که کشور ما با کمبود مواد غذایی در بازار مواجه نبوده اما مشکل اساسی در کاهش قدرت خرید مردم آسیب دیده میباشد.

وزیر زراعت و آبیاری نیز اظهار داشت که با خشک سالی امسال یکبار دیگر اهمیت سرمایه گذاری در بخش آبیاری کشور، مدرن سازی سیستم آبیاری و نیز ایجاد ذخایر استراتژیک را به عنوان راهکار های اساسی مقابله با خشکسالی بر جسته میگرد. همچنین پیترا ولی هماهنگ کننده کمک های بشری سازمان ملل متحد اظهار داشت که برای پاسخگویی به خشک سالی های اخیر در افغانستان به بیش از ۱۴۲ ملیون دالر ضرورت است تا در بخش های کمک های عاجل غذایی، تغذی، صحت و دسترسی به آب آشامیدنی برای حدود سه ملیون تن آسیب دیده از خشک سالی های اخیر کمک صورت گیرد. با وجود تلاش های مقامات جمهوری اسلامی افغانستان، این تلاش ها و برنامه ها کافی نبوده و باید کار و برنامه های اساسی و دایمی درین راستا جهت کاهش فقر رویدست گرفته شود تا باشد در آینده آسیب پذیری قشر فقیر و کم درآمد جامعه از این نقطه به کمترین حد آن برسد. ●

روز نامه های انیس و چراغ

تاریخچه استندرد در جهان

تقاضا برای کیفیت مواد خام که در صنایع حرفوی نساجی به کار برده میشد ایجاد گردید که از روی این مسایل سال ها تحقیقات صورت گرفته است. ترویج این استندرد ها در بین جامعه به سويه ملی و بین المللی در واقع اولین قدم های استندرد گذاری بود که ارزش قابل توجه در توسعه قوای تولیدی داشت. در گذشته ها واحد های اندازه گیری بصورت تصادفی تعیین گردیده بود مثلاً در اروپا (آرنج) که مساوی به طول آرنج (هنریش اول) بود و فُت منحصراً واحد اندازه گیری بسیار متداول در کشور انگلستان و تعدادی از کشور ها رایج شد که مساوی به طول پای (کارل بزرگ) بود.

در کشور ما و تعدادی از کشور های همسایه نیز شبه این واحد های اندازی گیری رایج بود که آثار آنها هنوز هم وجود دارد مانند: گرشاه، گز جریب و ... برای دریافت واحد های اندازه گیری از زمان های پیش تقریباً ادامه دارد. در سال ۱۷۹۰ در فرانسه واحد اندازی گیری مسافه (متر) ساخته شد که طول آن مساوی بر ۴۰ میلیونم نصف النهار کره زمین میباشد. بعداً در سال ۱۸۷۵ در ۱۷ کشور در کنوانسیون پاریس، متر را به حیث واحد

موفق به آماده ساختن کشتی های استندرد و مجهز می شدند، کشف رسم الخط دنیای قدیم سبب کنجکاوی بیشتر علما پیرامون استندرد گردید، آنها مطالعات و تحقیقات خود را در مراحل بعدی ادامه دادند اما این تحقیقات کمتر قناعت بخش بود. یک تعداد از دانشمندان و محققین، استندرد را به کلتور قدیم و به اهرام مصر و مکسیکو و قسماً به تمدن قدیم چین و هند نسبت میدهند. اگر چه تمدن در شرق هم جای خود را دارد اما یونان را گهواره تمدن قدیم شناختند و همواره آنرا مورد تحقیقات گوناگون قرار میدهند. زیرا یونان باستان به جهان متمدن بزرگترین متفکرین، دانشمندان، شعرا، مجسمه سازان و معماران را تقدیم نموده است انکشاف معماری و استندرد ساختن قطعات تعمیراتی از یونان قدیم ظهور کرد پایه های استندرد شده، دالان های سرپوشیده ستون دار و قطعات ساختمانی در مقابل گذشت زمان امتحان خوبی داده است. در قرن وسطی در قسمت انکشافات صنایع، میتود های استندرد بیشتر به نظر می آید. همچنان در همین وقت واحد محصولات در تولید منسوجات نیز تعیین گردید یعنی اندازه واحد عرض تکه (پارچه)، تعداد نخ تار و پود تکه، حتی

کلمه استندرد (standard) از لسان فرانسوی گرفته شده و تقریباً با لاتین نزدیکی دارد. مورخین و محققین معتقد اند که در مصر باستان ساختمان ها از خشت هایی دارای اندازه های ثابت (استندرد) بنا می یافت و تعدادی از معماران موظف برای اندازه گیری خشت هایی که در ساختمان ها استفاده می شد گماشته شده بودند که اندازه آنها را کنترل نمایند تا یکسان و استندرد باشد. آثار معماری با شکوه یونان و تمام ساختمان های معروف از جمله ساختمان هایست که در مواد ساختمانی آن استندرد بکار رفته است و همچنان رومی های قدیم از پرنسب های استندرد در ساختمان پایپ های آبرسانی استفاده می نمودند، که این پایپ ها دارای اندازه های ثابت بودند. در دوره رنسانس استندرد یک انگیزه انکشافی را به خود گرفت چنانچه روابط اقتصادی و کلتوری وینزی ها (وینزیا در ساحل ایتالیا) ضرورت مبرم در تهیه و تدارک وسایل حمل و نقل نظامی و کشتی های حمل و نقل احساس نمودند، حرکت دادن بدنه کشتی ذریعه وسایل و پرزه جاتی که بر طبق پرنسب های استندرد قبلاً تهیه کرده بودند تعبیه و نصب میکردند و از این کار

سازمان بین المللی استاندارد گذاری International Standardization Organization ISO Organization تشکیل گردد. در حال حاضر، این سازمان بین المللی متشکل از یک شبکه وسیع از موسسات استاندارد ملی در ۱۵۷ کشور است که بر پایه یک مرکز در هر کشور و یک مرکز اصلی در کشور سوئیس دارد که وظایف هماهنگی مراکز مختلف را بر عهده دارد. امروز رعایت استاندارد ها در تولید و عرضه

اول جهانی چندین موسسات ملی استاندارد در تعدادی از کشور ها ایجاد شد، هالند در سال ۱۹۱۶، جرمنی در سال ۱۹۱۷، سوئیس، اتحاد شوروی وقت و ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۱۸ از استاندارد به حیث یک وسیله و ضرورت مهم در سکتور اقتصادی استفاده کردند. همچنان موسسات استاندارد ملی در بلجیم و کانادا در سال ۱۹۱۹، اطریش در سال ۱۹۲۰، ایتالیا، جاپان و هنگری در سال ۱۹۲۱، آسترالیا، سوئیدن،

قیاس اندازه گیری تعیین نمودند. کنوانسیون متر، قدم مهم و بزرگ در راه تاسیس واحد های اندازه گیری و اوزان در سطح جهان به شمار رفته و نقش ارزنده یی در پیشرفت های ساینس، تکنالوژی و سازماندهی کار داشته است.

باید گفت که در اخیر سده نهم و آغاز قرن بیستم صنایع با استفاده از دست آورد های بیشتر ساینس و تکنالوژی توسعه مزید یافت و باعث گردید تا کشور های متمدنی



محصولات و خدمات از چنان اهمیتی بر خور دار است که در عرضه تجارت جهانی و داد و ستد های بین المللی استاندارد های ایسو شرط اولیه میباشد. سازمانیکه امروز بنام ایسو ASO شناخته میشود کار خود را از سال ۱۹۳۶ تحت عنوان فدراسیون بین المللی انجمن های استاندارد گذاری ملی ISO آغاز کرد. این سازمان در ابتدای روی مباحث مربوط به معماری و میخانیک

چکوسلواکیای وقت در سال ۱۹۲۲، ناروی در سال ۱۹۲۳، فنلند و پولند در سال ۱۹۲۴، دنمارک در سال ۱۹۲۶ و رومانی در سال ۱۹۲۷ موسسات ملی استاندارد را پایه گذاری نمودند. با انکشاف صنایع و تجارت در سطح بین المللی، تبادل اموال و مواد خام بین کشور ها و همچنان ضرورت ایجاد روابط فرهنگی، علمی و تخنیکی سبب شد تا انجمن بین المللی استاندارد به مفهوم

جهان به سازماندهی استاندارد گذاری ملی از خود تمایل نشان دهند. در نتیجه بسیاری از کشور ها موسسات ملی استاندارد را تأسیس نمودند. چنانچه در سال ۱۹۰۱ کمیته استاندارد بریتانیا ایجاد شد، که هدف اصلی آن تقویه بیشتر سکتور اقتصادی و تطبیق استاندارد ها برای مواد اولیه و خام محصولات نیمه کاره و کار تمام صنعتی و تخنیک نظامی بوده است. پس از جنگ

متمرکز بود. بعداً در سال ۱۹۴۲ به دلیل وقوع جنگ جهانی دوم منحل شد، اما پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۴۶، ۲۵ کشور طی نشستی در لندن به تأسیس سازمان بین‌المللی برای استاندارد گذاری توافق کردند و به دنبال آن ايسو در سال ۱۹۴۷ رسماً تأسیس شد. لوگوی سازمان به زبانهای انگلیسی و فرانسوی به ISO نشان داده میشود، شاید از حروف یونانی ISOS گرفته شده باشد که معنی مساوی، هم اندازه و ... را میدهد به هر صورت در کشور ما هم در بسا موارد استاندارد گذاری را مشاهده میکنیم مانند: ساختمان مسجد جامع هرات، بقایای ساختمان های قدیم در بامیان، سمنگان و... ابزار کار و وسایل زراعتی، صنایع دستی و ... که معماران، پیشه‌وران، هنرمندان، و استادان در تهیه ساختمان و مواد کار یا وسایل و نورم های ترکیبی یا اندازه‌هایی که در ساختمان ها به کار رفته است مانند کاشی کاری اماکن مقدس در شمال کشور، قالین بافی، گلیم، شطرنجی، شال بافی، ظروف مسی، گلی، کندکاری در چوب و ... را میتوان یادآوری کرد که در کشور ما استاندارد گذاری سابقه تاریخی دارد. بالاخره در سال ۱۳۴۵ دو نوع استاندارد در سطح بین‌المللی، واحد طول (متر) و دیگری واحد اوزان متریک (کیلو گرام) رسماً در چوکات وزارت تجارت افغانستان ایجاد شد که تا حال مورد استفاده قرار دارد. اگر چه در

گذشته ها واحد اندازه گیری طول گز شاه، گز جریب و واحد های اندازی گیری (وزن) خورد، پاو، چارک، سیر کابل، سیر مزار، من کابل، من قندهار، خروار و ... رایج بود. سیستم متریک از سیستم های ساده و عصری بین‌المللی بشمار میرود که در تنظیم بهتر فعالیت های علمی، تحقیقاتی، تولیدی، در ساحه تجارت داخلی و خارجی نقش عمده دارد. همچنان تعداد استاندارد هایی چون: سمت حرکت، علامات ترافیکی، ولتاژ برق، سایکل، هرتس هم در کشور ما و جهان رایج میباشد. ناگفته نباید گذاشت که با انکشاف ساینس و تخنیک و صنایع، تجارت با تأسیس پروژه ها، انتقال تکنالوژی بویژه تکنالوژی معلوماتی از کشور های بزرگ صنعتی تعداد زیادی استاندارد ها در افغانستان وارد و مورد تطبیق قرار گرفته است به همین طور در سال ۱۳۵۲ اداره نورم و استاندارد در تشکیل وزارت معادن شروع به کار نمود و در سال ۱۳۵۳ در مورد استاندارد مقالات علمی و مضامین مسلکی از طریق اطلاعات جمعی به نشر رسید و فابریکات از نظر استاندارد سروی گردید. بار اول در سال ۱۳۵۵ کمیسیون تثبیت استاندارد کشمش پروسس شده به همکاری اداره نورم و استاندارد تشکیل شد در سال ۱۳۵۷ استاندارد های صابون حمام و لباس شویی برای فابریکات صنعتی صابون سازی افغان توسط کمیسیون استاندارد پایه گذاری

شد. در سال ۱۳۵۸ مقررات مصرف مواد سوخت و روغنیات وسایل ترانسپورتی تکمیل و در همین سال مجله نورم و استاندارد منجیت ارگان نشراتی اداره نورم و استاندارد از چاپ برآمد. همینطور یکسال بعد استاندارد بسته بندی و سورت پنبه دانه دار و پخته ترتیب شد. و مدتی از اثر جنگ های داخلی این اداره از کار و فعالیت باز مانده و آسیب دید، بعد از ۱۳۸۲ بنا به تقاضا و ضرورت جامعه، جهت کنترل کیفیت محصولات تولیدی و تورییدی بنابر انکشاف تجارت، رشد اقتصاد ملی و راه یابی به بازار های ملی و بین‌المللی ایجاد اداره ملی نورم در سطح کشور یک امر ضروری پنداشته شد و روی این منظور مطابق تقاضای تعدادی وزارت ها و تجار ملی اداره مستقل نورم و استاندارد (انسا) تأسیس شد. فعلاً در همه بنادر افغانستان شعبات کنترل و تثبیت کیفیت مواد وارداتی فعال میباشد. ●

ادامه دارد

عبداللطیف بایانی

ماخذ: کتاب امتعه شناسی تهیه و ترتیب
خانم کریمه بیات

سرمایه انسانی کدام نکات را در بر دارد؟

قسمت اخیر

کیفیت بهتر زندگی فردی، اجتماعی و سازمانی؛ توانمندی نیروهای انسانی از ضرورت های مبرم و ضروری می باشد به میزان توجه برای توسعه منابع انسانی، اصلاح و بهبود سیستم بمیان می آید. موضوعی که تمامی دانشمندان در مورد

شولتز و پیروانش بر این نکته توافق داشتند که از طریق سرمایه گذاری در سرمایه انسانی یکی از عوامل تعیین کننده در اقتصاد کشور ها می باشد و دانشمندان برآورد نموده اند که ارتقاء سطح آموزش، تولید فزیک را بالا میبرد، گرچه بعضی

هر کشور برای دست یابی به رشد اقتصادی به سرمایه های مولد و به سرمایه انسانی بر علاوه سرمایه فزیک نیاز دارد، که درین میان آموزش عالی مهمترین نوع سرمایه گذاری انسانی بوده که درینصورت ارتقاء مهارت ها، کمک خوبی به دستیابی به



سرمایه انسانی با آن موافق اند عبارت اند از: آزادی اندیشه، استقلال فکری و خلاقیت در مسایل و قضایای علمی، همیشه در فکر نوآوری و در حال آموختن و آموزش می باشند. در حقیقت سرمایه انسانی پایه اصلی ثروت ملتها را تشکیل می دهد، در حقیقت منابع عوامل دومی تولید

دانشمندان در مورد مفهوم سرمایه انسانی نظریات مخالف ارایه نموده اند بعضی آنرا هدف و بعضی آنرا ابزار میدانند، از نظر ابزاری اثر بخشی نیروی انسانی در محیط کاری بخاطر دستیابی به استندرد های کیفی و کمی در بهتر انجام دادن کار ها می باشد، بطور خلاصه میتوان گفت: برای

رشد اقتصادی مینماید، این نظریه از عقاید آدم اسمیت منشأ گرفته موصوف مهارت کارکنان را منبع اصلی درآمد تلقی نموده و از دیدگاه او عوامل اساسی عواید افزایش مهارت وانمود شده که در اوایل سال ۱۹۶۰ مفهوم سرمایه انسانی شامل ادبیات اقتصادی شد.

◀◀

میباشد و این توانمندی ذهنی انسانها ست که منابع طبیعی را مورد بهره برداری قرار داده و ارگان های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را تشکیل داده و توسعه اقتصادی را اساس گذاری مینماید، کشور هایی که نتوانند ادراک، دانش و مهارت های انسانی را گسترش و مورد استفاده قرار دهند قادر به توسعه برنامه های اقتصادی نخواهند بود، در شرایط فعلی این یک اصل پذیرفته شده است که یکی از بهترین راه های پذیرفته شده پیشرفت های اقتصادی، توسعه منابع بشری و سرمایه انسانی است که بدون آن رفاه اقتصادی ناممکن می باشد، زیرا تحقیقات در کشور های پیشرفته مختلف به اثبات رسانیده است که مبدأ اصلی پیشرفت ها در کشور های مذکور سرمایه های فیزیکی نه بلکه سرمایه گذاری انسانی رول اساسی را در همه پیشرفت های اقتصادی داشته است، در کشور های پیشرفته و صنعتی سرمایه گذاری های عمده در بخش سرمایه انسانی بوده نه در سرمایه گذاری فیزیکی، طوریکه در کشور آلمان در سال ۱۹۲۰ سرمایه فیزیکی ۵ برابر سرمایه انسانی بوده در حالیکه در سال ۱۹۹۸ سرمایه انسانی در کشور مذکور بالا تر از دو برابر ارزش سرمایه فیزیکی برآورد گردیده است.

بر علاوه فواید اقتصادی، فواید دیگری نیز در توسعه منابع اقتصادی متصور است که عبارت از به میان آمدن ارزش های اساسی جامعه، اعم از عدالت اجتماعی، تساوی حقوق، برقراری عدالت، بالخصوص عدم تبعیض، اخذ مسئولیت های اجتماعی و مشارکت در تمامی عرصه های اجتماعی و اقتصادی می گردد و این مقام سرمایه انسانی است که موقعیت کشور ها را در سطح رقابت های جوامع بین المللی در عرصه اقتصاد، سیاست و ترقی تعیین می نماید، از جمله نهاد هایی که درین عرصه توجه خاص داشته و در عرصه سرمایه گذاری انسانی توجه به خرج داده است سازمان بین المللی کار می باشد که در نود و یکمین اجلاس بین المللی کار بحث آموزش و یاد گیری برای کار در جامعه، اولویت کاری شان را تشکیل داد، که هدف از آن مطابقت آموزش با بازار کار بود. در شرایط فعلی انسان در جامعه به عنوان محور دانش بوده و شیوه های سنتی قبلی در حال تغییر به سمت شیوه جدید است که درین شیوه آموزنده باید روش خود آموختن و طریقه دسترسی به اطلاعات مورد نظر خود را بدون داشتن معلم حاصل نماید، زیرا در شرایط فعلی انسانها پیش از آنکه به خود اطلاعات

متوجه شوند به تجزیه و تحلیل آن می پردازند. امروز تکنیک مدرن ارتباطی و اطلاعاتی خصوصاً تکنیک های اینترنتی فرصت مناسبی را در اختیار افراد قرار داده است. دسترسی به اینگونه تکنیک روز بروز در حال افزایش است، پروگرام های آموزشی بصورت رایگان در اینترنت به شکل رایگان در خدمت افراد قرار داشته که هر کس طبق دلخواه خود از اینترنت بطور دوامدار معلومات حاصل مینماید. بدون توجه به بازار کار، آموزش انسان را به سر منزل مقصود نمی رساند، انسان به اشتغال کامل دسترسی پیدا کرده نمی تواند از این رو برداشت کامل از نیاز بازار کار در تنظیم برنامه های آموزشی رول اساسی دارد زیرا آموزش و توسعه منابع انسانی مبتنی بر نیاز بازار کار در باز دهی اقتصادی رول اساسی دارد و آموزش به عنوان یکی از سیاست های بازار کار محسوب می شود، زیرا نا هماهنگی مهارت ها بازار کار را ضعیف و توان رقابت اقتصادی را در سطح بین المللی کاهش میدهد در عصر جدید اتکای مدیریت منابع انسانی بر دانش کارکنان وابسته است. ●



ملی ناخالص تولید څه ته وایی؟

په پام کې نیولو پرته د یو هیواد په دنده کې تولیدیږي. د بیلګې په توګه د یوه افغان عواید چې په لندن کې کار کوي په کورنۍ ناخالص تولید کې نه حسابیږي بلکې زموږ د هیواد افغانستان په ملی ناخالص تولید کې حسابیږي، له بلې خوا په افغانستان کې د یو انګلیسي شرکت عواید د افغانستان په کورنۍ ناخالص تولید کې حسابیږي خو د افغانستان په ملی ناخالص تولید کې نه حسابیږي. البته دغه دواړه اصطلاح ګانې له یو بل سره توپیرونه لري نو له دې امله ملی ناخالص تولید د بهرنيانو له خوا د هیواد په دنده کې د تولید شویو کالیو او خدمتونو د پولې ارزښت پرته په نورو بهرنیو هیوادو کې د یو

ته رسیدلو خدمتونو محاسبه ملی ناخالص تولید ده.

د بیلګې په توګه د فولادو ارزښت چې د موټر جوړولو په شرکت پلورل کیږي په ځانګړې توګه په ټول ملی ناخالص تولید کې نه حسابیږي بلکې د هغه د ارزښت له امله دموټر د پلور په وروستی بیه کې حسابیږي.

له نظری او عملی پلوه د ملی ناخالص تولید اصطلاح د کورنۍ ناخالص تولید له اصطلاح سره اړیکه لري.

کورنۍ ناخالص تولید د هغو پای ته رسیدلو خدمتونو او کالیو له پولې ارزښت څخه دی چې د یو ټاکلي کال په موده کې د ملیت

د ملی ناخالص تولید اصطلاح د لوی اقتصاد د سیاست جوړونې په ډګر کې یوه غوره اصطلاح ده اوځینې هیوادونه هغه د اقتصادي ودې یو شاخص ګڼي. د یو هیواد د خلکو اړوند تولیدي عواملو په واسطه په یو کال کې د تولید شویو کالیو او پای ته رسیدلو خدمتونو ټول پولې ارزښت ته ملی ناخالصه عاید وایی.

د پای ته رسیدلو خدمتونو او کالیو څخه مقصد وروستی مصرف کوونکي ته د هغوی رسیدل دی.

په ټولیزه توګه دځینو کالیو او خدمتونو د بیا محاسبې څخه د مخنیوي په منظور د ملی ناخالص تولید په څېرلو کې د کالیو او پای



د مريم د لورو زده کړو د مؤسسي رئيسه ډاکټره شهلا (رشيد)

که څه هم په هرو دريو لاروکې، کورنۍ ناخالص توليد بايد يو ډول وي خو په عمل کې بنيایي توپير ولري. پا ته د نه وی چې د کورنۍ توليد سره د نا اندولو خدمتونو پراختيا د انديښنې وړ ده.

خدمتونه يو غوره ښه لرونکي عامل دي او د حساب داری په سیستم کې کولای شي په اقتصادي ټولنيزي ودې او پرمختيا کې غوره رول ولري.

په نړۍ کې د ودې او پرمختيا مفهوم له اويایمي لسیزې را په دی خوا د پاملرنې وړ وگرځيد او ودې د پرمختيا په مفهوم مانا پيدا کړه، په اويایمه لسیزه کې ټولنيزه سو کالۍ په اقتصادي شاخصونو يعنې د کورنۍ ناخالص توليد او سړۍ سړملۍ عوايدو سره سنجول کيده، خو نړيوالو تجربو په ځينو هيوادو کې وښوده چې په اته سلنه وده کې ټولنۍ بی وزلی شوی او دغه ستونزه د لومړۍ ځل لپاره په نړيوال بانک کې د نايروبي له خوا وړاندې شوه او له هغه وروسته د (ودې) ځای پرمختيا ونيو.

دغه بد لرونه د دې سبب شول چې پرمختيا ته زياته پاملرنه وشي او د اقتصادي او ټولنيزي سو کالۍ په خبرو کې زيات ټکی بيان شي.

خپله گټه لټوی.

که څه هم د ملی ناخالص توليد او کورنۍ ناخالص توليد شاخصونه په ملی اقتصاد کې د ټول توليد د څيړنې لپاره ډيرې ښې لارې چارې دي خو دغه شاخصونه په (ځانگړې توگه هغه وخت چې د سړۍ سر عايد شاخص گرځي) آن له نظري پلوه د پوره اقتصادي سو کالۍ د څرنگوالي ښه لاره چاره نه ده. دغه شاخصونه په ډير ښه حالت کې يوازي د توليدي فعاليتونو د نرخ د اوسنۍ اندازې د څرگندولو لپاره لارې چارې دي، په داسې حال کې چې ټولنيزه سو کالۍ تر اقتصادي سو کالۍ پراخ مفهوم لري چې په پوره ډول نشو کولای هغه د ملی ناخالص توليد او يا د کورنۍ ناخالص توليد سره پرتله کړو.

د يو هيواد ملی ناخالص او کورنۍ ناخالص توليد لپاره درې بيلا بيلې لارې چارې شته:

۱- د مصرف لاره: چې په هغه کې ملی ناخالص توليد، د کورنيو، شرکتونو، دولت او نورو هيوادو له خوا د مصرف، پانگۍ اچونې، دولتي پيړودلو او خالصو صادراتو په بڼه د کاليو او پای ته رسيدلو خدمتونو د پيړودلو لپاره د لگښتونو له ټول پولې ارزښت څخه عبارت دی.

۲- د عوايدو لاره: چې د حقوقو، اجورۍ، گټې او اجارې د بيلا بيلو عوايدو په گډون ټول پولې ارزښت ملی ناخالص توليد دی چې خلک يې د همغو کاليو او پای ته رسيدلو خدمتونو له توليد څخه تر لاسه کوي.

۳- د توليد لاره: چې په هغه کې ملی ناخالص توليد د هغو ټولو کاليو او پای ته رسيدلو خدمتونو له پولې ارزښت څخه عبارت دی چې د بيلا بيلو توليد کوونکو له خوا توليد يږي.

هيواد د اوسيدونکو په واسطه د توليد شويو کاليو او خدمتونو د پولې ارزښت سره يو ځای په يو کال کې د هيواد په دننه کې د ټولو پای ته رسيدلو خدمتونو او کاليو له پولې ارزښت څخه عبارت دی.

په دی حالت کې که چيرې د يو هيواد خلک په بهر کې له خپلو پانگو اچولو څخه د هيواد په دننه کې د بهرنيانو د پانگو اچونو په پرتله زيات عوايد په لاس راوړي د هغوی ملی ناخالص توليد به له کورنۍ ناخالص توليد څخه زيات وي.

او له پانگۍ اچونې څخه دلپرو عوايدو په صورت کې موضوع برعکس وي.

همدا راز د هيواد د وگړو په شمير د ملی ناخالص توليد له ویش نه د سړۍ سر ملی توليد لاس ته راځي.

د هيوادونو د ملی ناخالص توليد محاسبه که څه هم ستونزمن کار دی خو د دولت له خوا د اقتصادي سياستونو د اسانه کولو او د خصوصي سکتور د برخې د تصميم نيونکو سره د مرستې په گډون بيلا بيل اړخونه لري، د بيلگې په ډول که چيرې دولتي سياست چلوونکي د پولې او مالی سياستونو پر بنسټ مادی سو کالۍ او اقتصادي وده د ملی اقتصاد د سياستونو برخه وگڼي هغوی د بيو د ټاکلو په څير د اقتصادي کړنو د ارزونې او د هغه د تگ د گړنديتوب يا کمښت په منظور ټاکلو ته اړتيا لري چې دا هماغه د ملی ناخالص توليد شاخص دی.

سر بيره پردی د خصوصي سکتور برخه هم په توليدي دستگاوو يا کارخانو کې د نويو پانگو په اچولو او يا د هغو نويو محصولاتو په توليد سره چې د دوی د محصولاتو لپاره د احتمالي تقاضا د وړانديز په منظور د کورنۍ ناخالص توليد له محاسبې نه منځ ته راځي او هم د توليد په بيلا بيلو لگښتونو کې

چگونگی اقتصاد ملی

تصدی به دولت مالیه می‌دهد، دولت برای تصدی کمک‌های بلا عوض می‌کند همچنان رابطه بین بانکها، خانواده‌ها، تصدیها و دولت وجود دارد. خانواده‌ها و دولت سپرده‌های خود را به بانکها می‌سپارند، تصدی از بانکها قرضه دریافت می‌کند و در بخش رفاه همگانی سرمایه گذاری می‌نماید، بین واحد‌های اقتصادی داخلی و سکتور تجارت خارجی نیز روابطی وجود دارد که به شکل صادرات و واردات انجام می‌شود، اگر صادرات زیاد باشد نسبت به واردات مازاد تجارت در بیلانس تجارت دیده می‌شود و در صورت مازاد تجارت، اسعار داخل کشور شده و بحساب تغییر دارایی در بانک افزود می‌شود. عکس مطلب رشد واردات نسبت به صادرات زیاد شود حساب تغییر دارایی اسعار به خارج انتقال می‌یابد بنابر نظر به توضیحات فوق می‌توانیم اقتصادی ملی را چنین تعریف نماییم:

رابطه متقابل اقتصادی را که بین صد ها واحد اقتصادی وجود دارد مورد مطالعه قرار می‌دهد و یا روابط

انسان را عامل علم اقتصاد میدانند زیرا بعضی فعالیت‌هایی است که انسان فاعل آن است. عملیه اقتصاد عبارت از صرف مساعی برای تهیه رفع احتیاجات داخل یک پلان تنظیم شده و یا مراعات اصول و پرنسپ‌های اقتصادی که برای رفع احتیاجات و وسایل زندگی بکار می‌رود. طوریکه میدانیم تمام فعالیت‌های اقتصادی به فعالیت‌های انفرادی تقسیم بندی شده است مثلاً: خانواده، تصدی، دولت، تجارت و ...، اقتصاد خانواده عبارت از موضوعات مربوط به تهیه وسایل رفع احتیاجات یک خانواده و یا فامیل است. اقتصاد تصدی اشیا و خدماتی را غرض رفع نیاز مندی‌های خانواده تهیه و بدسترس آنها قرار می‌دهد. دولت هم منحصراً یک ارگان سیاسی در جامعه وظایف و مکلفیت‌های فراوانی دارد. باید گفت که بین این واحد‌های اقتصادی روابط اقتصادی وجود دارد، سکتور خانواده عوامل تولید را بدسترس تصدی قرار می‌دهد و در مقابل یک قیمت را به شکل مزد، معاش، ربح و ... بدست می‌آورد و نیز اشیا مورد نیاز خود را از تصدی حاصل می‌کند و در مقابل قیمت اشیا استهلاکی را به تصدی می‌سپارد.

همچنان رابطه بین دولت و خانواده نیز وجود دارد. خانواده‌ها به دولت مالیه می‌پردازند و خدماتی انجام می‌دهد و دولت برای خانواده‌ها مزد، معاش و ... می‌پردازد. رابطه بین دولت و تصدی هم وجود دارد.



اقتصادی را که در بین یک جامعه وجود دارد مورد بحث قرار میدهد.

ولهم روچر مولف کتاب اصول اقتصاد سیاسی می نویسد که اقتصاد سیاسی یا اقتصاد ملی علمی است که با قوانین توسعه یی اقتصادی یک ملت یا با زندگی ملی اقتصادی سر و کار دارد.

منگلد در کتاب فلسفه تاریخ اقتصاد سیاسی ذکر نموده است که مانند تمام رشته های علوم سیاسی و یا علوم مربوط به زندگی ملت ها، از یک طرف این علم با در نظر گرفتن نیاز های فردی و از طرف دیگر، با در بر گرفتن ملاحظات کل نوع بشر در ارتباط است.

پروفسور آلمانی اشمولر در کتاب فرهنگ دستی علوم سیاسی مینویسد: اقتصاد علمی است که علل پدیده های اقتصادی را شرح داده و تعریف می کند و در عین حال به روابط درونی این پدیده ها پرداخته سعی در توسعه آنها دارد. همچنان بر پایه تقسیم و دسته بندی کار، بر پایه تجارت و توزیع عواید، بر پایه نهاد اقتصادی-اجتماعی، توسط قوانین عمومی و خصوصی مشخص، تضمین می شود.

علم اقتصاد سعی میدارد تفاوت میان اقتصاد ملی کشورهای مختلف را در مقایسه با یکدیگر و هم چنین انواع مختلف را دسته بندی و مشخص و بر پایه روابط و نتایج حاصله از اشکال مختلفی که پدید می آید قرار داده میشود.

آدولف بلانکی فصل اول کتاب خود را با همین جملات آغاز می نماید: علم اقتصاد قدیمی تر از آن است که فکرش را می کنیم، یونانی ها و رومیان باستان مدتها بود با این علم آشنایی داشتند. اوژن دورینگ در برلین نوشت که اقتصاد علمی است که مبانی آن در حال حاضر موجود بوده ولی هنوز جمع بندی نشده است و مسایل آن باید در آینده به طور مشخص حل گردد.

تعدادی به این عقیده اند که قدمت علم اقتصاد همدیف تاریخ بشری است. پس از همین رو می توان نوشت که:

اقتصاد ملی: سیاست اقتصادی عبارت از مجموع قواعد و مقرراتی است که در ساحه اقتصادی از طرف دولت با پالیسی مشخص در جامعه تحمیل میگردد. یا به عباره دیگر سیاست اقتصادی تعیین شده با استفاده از بعضی از وسایل و تدابیر اقتصادی در مدت معین طرح و تطبیق میشود.

اقتصاد ملی به بخش های مختلف تقسیم بندی شده است:

اقتصاد مالی: تمام مصارف و عواید دولت را مورد مطالعه قرار میدهد.

اقتصاد تصدی: تمام روابط، طرالعامل و فعالیت های یک تصدی را در داخل تصدی مورد مطالعه قرار میدهد. تصدی نهادی است که در آن عوامل تولید ترکیب و جهت رفع نیازمندی انسان کالا و

خدمات را تولید میکند.

روابط اقتصاد ملی با سایر علوم: اقتصاد یکی از رشته های اجتماعی است که تقریباً به سایر علوم از قبیل جامعه شناسی، تاریخ، ادبیات، منطق، فلسفه، احصائیه، ریاضی و... ارتباط نزدیک دارد اقتصاد در موارد زیادی با سایر علوم پیوند دارد که بررسی آنها بدون در نظر داشت این اثرات، امری بی نتیجه است لذا تحقیق وقتی میتواند موفق میباشد که جهت ارائه نظریات اقتصادی از سایر علوم به اندازه کافی مطلع باشد.

باید گفت که عقاید، رسوم، عنعنات و طرز رفتار جامعه مدنظر گرفته شود این نشان دهنده ارتباط علم اقتصاد ملی با جامعه شناسی، روانشناسی و تاریخ است. زیرا تاریخ از مناسبات اقتصاد گذشته بحث میکند و این مناسبات روابط مردم را با اقتصاد بیان می کند. همچنان با جغرافیه هم ارتباط دارد زیرا زمین و حوادث زمین را مورد مطالعه قرار میدهد و زمین منحصراً عامل تولید در اقتصاد و همینطور با علوم دیگر سر کار دارد. ●

عبداللطیف بایانی

د هیواد کرنیز ډگر ته پاملرنه څه پایله لری؟

دوهمه برخه

کولای شي له یو جریب نه د ۱۰۰ څخه تر ۱۵۰ منه غنم په لاس راوړي.

افغانستان د باغونو او نورو کرنیزو توکو د ودی لپاره ښه او وړ اقلیم لری او د کرنی سکټور کار پوهانو په باور د افغانستان د محصولاتو د اصلی توکی غنم تولید باید ډیر شی او نور متمم محصولات لکه ورجی، گڼی، اوریشی، جوار، مالوج، جوغندر او سویابین معرفی شی، د کرنیز محصولاتو د بازار موندنی سیستم په تنظیم کی هڅی وشی چی یو ځل بیا په منځنی

هکتاره ځمکه نیسي. په اوسنی مرحله کې دغنمو حاصلات ډېر ټیټ دي ځکه چې کیمیاوي او عضوي سرې په لږې اندازې سره ځمکې ته علاوه کيږي د نامطلوبو بوټو، ناروغۍ او افتونه په ښه ډول مخنیوی نه کيږي. په اوسني حالت کې له یو جریب ځمکې څخه په اوسط ډول ۴۶ منه حاصل اخستل کيږي. چې دا اندازه ډېره کمه ده که له اصلاح شوي تخم، پرمختللي تکنالوژۍ او ډگرني له عصري لاروچارو نه استفاده وشي زمونږ بزگران

اوس غنم دنړۍ په ټولو برخو کې چی افغانستان هم پکی شامل دی کرل کيږي. هغه سیمې چې جگوالې یې د سمندر له سطحې نه ښکته بیا تر څلورو زره مترو پورې له بحر نه جگوالی ولري دغنمو د کښت لپاره مناسبې دي. زمونږ دهیواد څه نا څه په ټولو برخو کې غنم کرل کيږي چی له ۳۹،۶ ملیونه هکتار کرنیز ځمکی څخه یوازی ۷،۹۱ ملیون هکتاره د کر وړ او ۳،۳۴ ملیون هکتاره تر کښت لاندی ده، چې هر کال نږدې ۲،۳ ملیون



آسيا کې د افغانستان د وچو او تازه میوو خپل موقعیت بیرته تر لاسه کړی. دا محال د افغانستان کرنیز توکو د اروپا، فارس خلیج، او هند بازار نو ته لاره کړی ده، د افغانستان اقتصادي پراختیا او د کرنیز اقتصاد په برخه کې د کرنیز محصولاتو وده، حکومتي او خصوصي پانګونې اقتصاد ته رغنده رول لوبولی شي، که د بزگرانو لپاره لازمي آسانتیا وی برابرول او هغوی د خپلو محصولاتو پر خرڅلاو او عاید پادمن او په مشینري سره د کرنې د سمبالتیا هڅې دا کار د اقتصاد د پاره ډیر ګټور ثابت شي.

د کرنې پراختیا بانک د کرګرو پر له پسې او پراخو شته اړتیاوو او پر له پسې غوښتنو ته په پام سره، د کرنې وزارت غواړي په آسانه شرایطو سره د پورونو د ورکړې سیستم بیرته پیل او د نوی تکنالوژي د استعمال د هڅولو د نویو کرنیز تګلارو او کرنیزو ماشین آلاتو په موخه د هیواد په ۳۴ ولایتونو کې روزنیز مرکزونه جوړول خپل هدف بولي.

مالوچ، لبلبو، کنجد، زغر، شرشم او نور تيلي او صنعتي نباتات پخوا په افغانستان کې تولید او پروسس کیدل اوس د کرنې وزارت هوډ لري، چې د صنعتي او تيلي نباتاتو د تغذي د ښه والي په خاطر د هغو تولید او پروسس او د بازار موندنې زمینه برابره کړي. د حاصلاتو په زیاتوالي کې اصلاح شوی تخم غوره رول لري، په افغانستان کې دا مهال له اوبې او للمی کرنیزې ځمکې نه د یوه جریب حاصل د نورو هیوادونو په پرتله په خورا ټیټه کچه

دی چې یو عمده لامل یې د کرنیز و اصلاح شویو تخمونو کموالی دی. د کرنې وزارت هوډ لري چې د هر هکتار ځمکې په تولید کې د زیاتوالي په موخه په کافی کچه کرنیز تخمونه تولید، چمتو او د څیړنیو او ترویجی مرکزونو له لارې یې کرګرو ته ور وپيژني، خصوصاً هغه اصلاح شوی تخمونه چې له محیط سره توافقي ولري کولای شي چې په سلوکې پنځوس برخې دغمو حاصلات زیات کړي. زمونږ په هیواد کې پنځوس فیصده دغمو اصلاح شوی تخم کرل کيږي چې دا اندازه نوره هم په ډېرویدو ده.

د یادونې وړ ده چې نباتي تولیدات د هیواد خلکو د خوراکو مهمه برخه ده، غنم، اوربشي، جوار، وریج، ارزن او داسې نور حبوبات د نباتي محصولاتو په شمیر کې راځي مګر ګڼې، مالوچ، لبلبو، د هیواد مهم صنعتي نبات جوړوي. د دی نه پورته میوی د هیواد بل کرنی سکتور جوړوي. د کورنیو داخلي مصارف تر څنګ ډیر اهداف د خارجي اسعارو لاس ته راوړنو لپاره وچ او تازه په توګه د هیواد بهر ته صادريږي چې په هیواد کې د اقتصاد له لحاظ څخه ښه مقام ګټلی ده، ځکه کابو ۲۲ په سلو کې د هیواد صادرات تازه او وچې میوی تشکیلوي، لکه انگور، منه، خټکي، پسته، بادام او داسې نور.

ټولو ته ما لومه ده چې زمونږ بزگران له اوبو څخه سر ټکوی چې پر لپسې وچکاليو اوبه لږ کړي دی کافی اوبه

کښتونو ته نه رسيږي، په لومړي قدم کې د اوبو په برخه کې پروژې د ارزښت وړ دي، ځکه چې که اوبه نه وي نه اصلاح شوی تخم کار کوي او نه هم د ښه کیفیت لرونکي سره او کيمياوي دواګانې. دوه نیم ملیونه ټنه غنم اوس وخت له بهر نه واردیږي، په دی باره کې که بزګر سره هر اړخیزه مرسته او کرنې ته پراختیا ورکړل شي زمونږ د کرنې عاید په راتلونکو پنځو کلونو کې دومره لوړ شي چې نوموړي اندازه غنم به په خپله تولید کړای شو، اما متأسفانه اوس مونږ اړیو چې سړکال له قزاقستان څخه غنم وارد کړو چې په دی برخه کې مناسب ګامونه پورته شوي دي. د کرنې په برخه کې باید له بزګر سره هر اړخیزه مرسته اړینه ده تر څو بزګر کولای شي خپل محصولات په معیاري ډول دسته بندی او په مناسبو وسایطو بهرنی مارکیټونه ته ورسوي چې په دی طریقه د بزگرانو ګټې اندازه به په سلوکې دری دیرش ته پورته شي. ●

عبدالحفیظ شاهین

اخستنه:

پرمختګ: د حکومت د اطلاعاتو او رسنیو مرکز

څیړنه: مجله علمی و تحقیقی پوهنتون کابل انټرنټ

امتعہ چیست؟

امتعہ و یا کالایی که نیازهای اولیه مصرف کنندگان را تأمین می کند کالای های ضروری و کالاهائیکه برای تأمین نیازهای کم اهمیت تر مصرف میشود کالاهای یا امتعہ تجملی نامیده میشود. در مجموع امتعہ را بدو دسته تقسیم نموده اند:

- اشیای اقتصادی

- خدمات اقتصادی

اشیای اقتصادی: امتعہ یی است که در اثر کار انسان ها ایجاد میگردد و در جهت تأمین نیازمندی های شان به مصرف میرسد.

تولید کننده به بازار عرضه میشود در مقابل پول دریافت می کند و یکی از نیازهای مردم را رفع می کند امتعہ و یا کالا گفته میشود. کالاهایی که در بازار فروش می رسد تا توسط مصرف کنندگان خریداری شود و به مصرف برسد بنام امتعہ و یا کالای مصرفی یاد میشود. همچنان کالایی که تولید کنندگان دیگری برای تولید کالا و یا امتعہ مختلف دیگر، خریداری و مورد استفاده قرار دهند، کالای واسطه نامیده میشود. باید گفت که

انسان ها برای رفع ضروریات خود وسایلی را تولید کرده اند که نام آنها امتعہ گذاشته اند و امتعہ عبارت از وسایل رفع احتیاج است یا به عنوان دیگر تمام وسایلی که نیازهای اساسی را برآورده سازد بنام امتعہ یاد میشود. از یاد نبریم که کلمه کالا بطور کلی همین مفهوم را افاده میکند مانند: لباس، غذا، وسایل نقلیه و کالاهای غیر مادی یا خدمات مثل: بانکها، ترانسپورت و ...

در علم اقتصاد، اجناس مختلفی که توسط





احمد ادریس کارمند پنجاب بانک (هند)

کالا فعالیت روزمره انسانها میباشد و انسان ها دارای خواست ها و خواهشات زیاد و متنوع است که در جهت بدست آوردن آن در تلاش خستگی نا پذیر میباشد. بشر بخاطر امرار حیاتش نه تنها ضرورت به غذا، لباس و مسکن دارد بلکه نیاز بر ضروریات معنوی هم دارد مانند: کسب دانش، مسافرت، استراحت، تفریح و ... اگر انسان ها نتوانند برخی از احتیاجات خود را بر آورده سازد احساس ندامت و کمبود میکند و در تلاش رفع این کمبودی بر می آید. میتوان گفت که نیاز آن احساس کمبودی است که برای انسان رو نما میگردد و در رفع آن تلاش همه جانبه صورت میگیرد. ●

ماخذ: کتاب امتعه شناسی

احتیاج انواع مختلف دارد مانند: احتیاج اولیه که بدون آن زندگی کردن امکان ندارد مثل: نان، لباس، مسکن و ... احتیاج فرهنگی بعد از رفع احتیاجات اولیه ضروری است مانند: کتاب، سفر و ... احتیاج لوکس: این احتیاج غیر از نیاز اساسی و ضروری است مانند: موتر، تعمیر و ... احتیاجات نظر به سطح زندگی مردم فرق میکند مثلاً داشتن یخچال برای کسانی که سطح زندگی بالا دارند چیزی عادی است اما برای کسانی که زندگی در سطح پایین دارند خیلی جنس لوکس محسوب میگردد. - احتیاجات را به نوع دیگر هم مطالعه می کنند. - احتیاجات فعلی که در حال حاضر به آن ضرورت احساس میگردد. - احتیاجاتی که در آینده به آن ضرورت داریم - احتیاجات آشکارا مانند: لباس، نان و ... - احتیاجات مخفی ضرورت آن عملاً معلوم نمی شود یا در ذهن انسانها وجود دارد در بعضی حالات مثلاً دقیقاً نام یک غذا یا نوشابه را بگیرییم به آن احساس ضرورت میکنیم و امسال آن. تمام فعالیت هائیکه توسط انسان صورت میگیرد هدف آن فقط رفع احتیاجات است تا بتوانند یک زندگی مرفه داشته باشند، فعالیت های خوب و بهتر داشته باشند و از آن حد اکثر استفاده نمایند. چون فعالیت های تولید، توزیع و مصرف

این مطلب نیز طی دو بخش مطالعه میگردد.

- اشیای سرمایوی: اشیای سرمایوی یا تولیدی که مستقیم استهلاک نمی شود بلکه غرض تولید اشیای استهلاکی دیگر آماده میشود باید گفت که اشیای سرمایوی به تدریج استهلاک میشود.

- اشیای استهلاکی که مستقیماً طرف استفاده قرار میگیرد و تحت دو بخش مطالعه می کنند:

الف: اشیای استهلاکی کم دوام که اصطلاح یک بار مصرف بالای آن اطلاق میگردد. مانند: نان، سگرت و ...

ب: اشیائیکه مدت استهلاک دوامدار داشته که مدت زیادی را در بر می گیرد مانند: ماشین آلات، لباس، بوت و ...

نا گفته نباید گذاشت که نیاز ها و ضروریات انسان نا محدود است و کالا هائیکه بدسترس قرار دارد جهت رفع نیاز انسان بکار میروند و محدود میباشد.

انسان ها از کالاهایی استفاده میکنند که حد اکثر نیاز شان را مرفوع سازد، انسانها باید فعالیت پلان شده داشته باشند و در صدد آن اند تا رفع نیاز مندی شانرا نمایند. به عنوان دیگر: وسایل دست داشته خود را طوری بکار می اندازند که با کمترین امکانات، زیاد ترین احتیاج خود را مرفوع نمایند. بهتر است بدانیم احتیاج چیست؟ عبارت از احساس کمبودی است و صرف مساعی غرض رفع کمبودی است.

کار برد مدیریت خطرات در اجرای پروژه

اندازه کافی در دسترس نیستند تا این کار به دقت انجام گیرد. در این روش معمولاً افراد با تجربه‌ای مبادرت به این کار می‌کنند که تجارب زیادی در زمینه مدیریت پروژه دارند. در مرحله بعد به هر خطر یک مقدار نسبت دهید، این مقدار می‌تواند در صورت ضرورت بر حسب زمان یا مصرف باشد. مثلاً اگر هدف، تعیین زمان اتمام یک پروژه است، هر فرضیه در مورد مدت زمان فعالیت‌ها می‌تواند یک عامل تعیین کننده در محاسبه خطر محسوب شود. در این مرحله می‌توان مقدار حقیقی ریسک را با محاسبه حاصل ضرب مقادیر تخصیص داده شده به خطر و احتمال وقوع آن به دست آورد و با توجه به نتایج حاصله می‌توان نسبت به انجام عملی یا به تعویق انداختن آن تصمیم‌گیری نمود. آخرین مرحله در انجام مراحل مدیریت خطر، اقدامات نگهدارنده مجموعه خطراست. به این معنا که در فواصل معین با اقدام به بازنگری دوره‌ای خطر، هر گونه تغییرات شرایط و زمان وقوع خطرات را در مدل خطرات پیاده سازی کنیم تا امکان همراهی مدل مدیریت خطر تا پایان انجام پروژه با آن مهیا باشد. ●

محمد داود شیر زاده

عضو آمریت عمومی خطرات مالی

اتفاق محتمل است؟ عواقب آن چیست؟ ممکن است پرسش‌های دیگری نیز به ذهن شما خطور نماید که البته این پرسش‌ها سر آغاز خوبی است که شما را در مسیر درست هدایت کند. هر چیزی که به مغز شما خطور می‌کند یاد داشت کنید، سپس در مرحله بعد معین نمائید که آیا نیاز به مقابله و پیشگیری خطر احساس می‌شود و یا باید تا زمان وقوع آن صبر کرد. اگر خطرات را مشخص کنید و تصمیم بگیرید که هیچ عملی نباید انجام بگیرد، بهتر از آن است که آن‌ها را شناسایی نکرده باشید. پس از این مرحله، خطرات شناسایی شده را کم کنید، برای این منظور، ابتدا خطرات را دسته بندی و سپس احتمال وقوع هر کدام را تعیین نمائید. برای این کار می‌توانید از تعدادی احتمالات پیشنهادی آن استفاده کنید:

- خطر قریب الوقوع: بزرگتر از : ۸۵ درصد
- خطر با احتمال بالا تر از : ۸۵ درصد
- خطر محتمل : ۶۰ درصد
- خطر با احتمال متوسط : ۵۰ درصد
- خطر ممکن: ۴۰ درصد
- خطر با احتمال پایین تر از : ۱۵ درصد
- خطر غیرمحتمل: کم تر از : ۱۵ درصد

اکنون احتمال وقوع هر خطر قابل محاسبه است. راه دیگر، نسبت دادن درصد وزنی به هر یک از خطرات است مشکل اصلی این روش آن است که همواره داده‌های تجربی به

مدیریت خطرات مالی، کار برد سیستماتیک سیاست‌های مدیریتی، روشها و فرآیند های مربوط به فعالیت های تحلیل، ارزیابی و کنترل خطرات است و شامل شناسایی و به کار گیری معیار هایی است که می‌توان از آن‌ها جهت رساندن ریسک تا سطح قابل قبول استفاده کرد. به عبارت ساده می‌توان مدیریت خطرات را شامل تمامی فعالیت‌هایی دانست که با اجرای آن‌ها، احتمال وقوع نتایج نامطلوب در اجرای یک پروژه به حد اقل می‌رسد. بسیاری از پروژه‌ها که تصور می‌شود تحت کنترل قرار دارند، با خطراتی به عنوان رخدادی شناخته نشده رو برو شده و کوشش می‌کنند آن را کنترل کنند اما با یک تلاش ساده تحت لوای مدیریت خطرات، این امکان وجود دارد که رویداد های خطرات، قبل از وقوع شناسایی و کنترل شده و یا برنامه ای تهیه شود که در زمان وقوع این رویداد ها با آن‌ها مقابله صورت گیرد. با در نظر گرفتن این مفاهیم ساده، امکان مقابله با خطرات به وجود می‌آید. ازین رو ابتدا باید نسبت به شناسایی خطرات محتمل پروژه اقدام کرد. این کار با دسته بندی ساختار کار ها و با پرسیدن چند سوال ساده از خود یا اعضای کاری پروژه، امکان پذیر است. مثلاً در موقع نیاز به منبع یا منابعی که در دسترس نیستند، چه اتفاقی می‌افتد؟ بدترین نتیجه ممکن از وقوع چنین رویدادی چه خواهد شد؟ چه چیزی باعث آن می‌شود؟ چقدر وقوع این





BANK

DA AFGHANISTAN BANK

FIFTY TWO ISSUE

FIFTH YEAR

OCTOBER

2011

www.centralbank.gov.af